

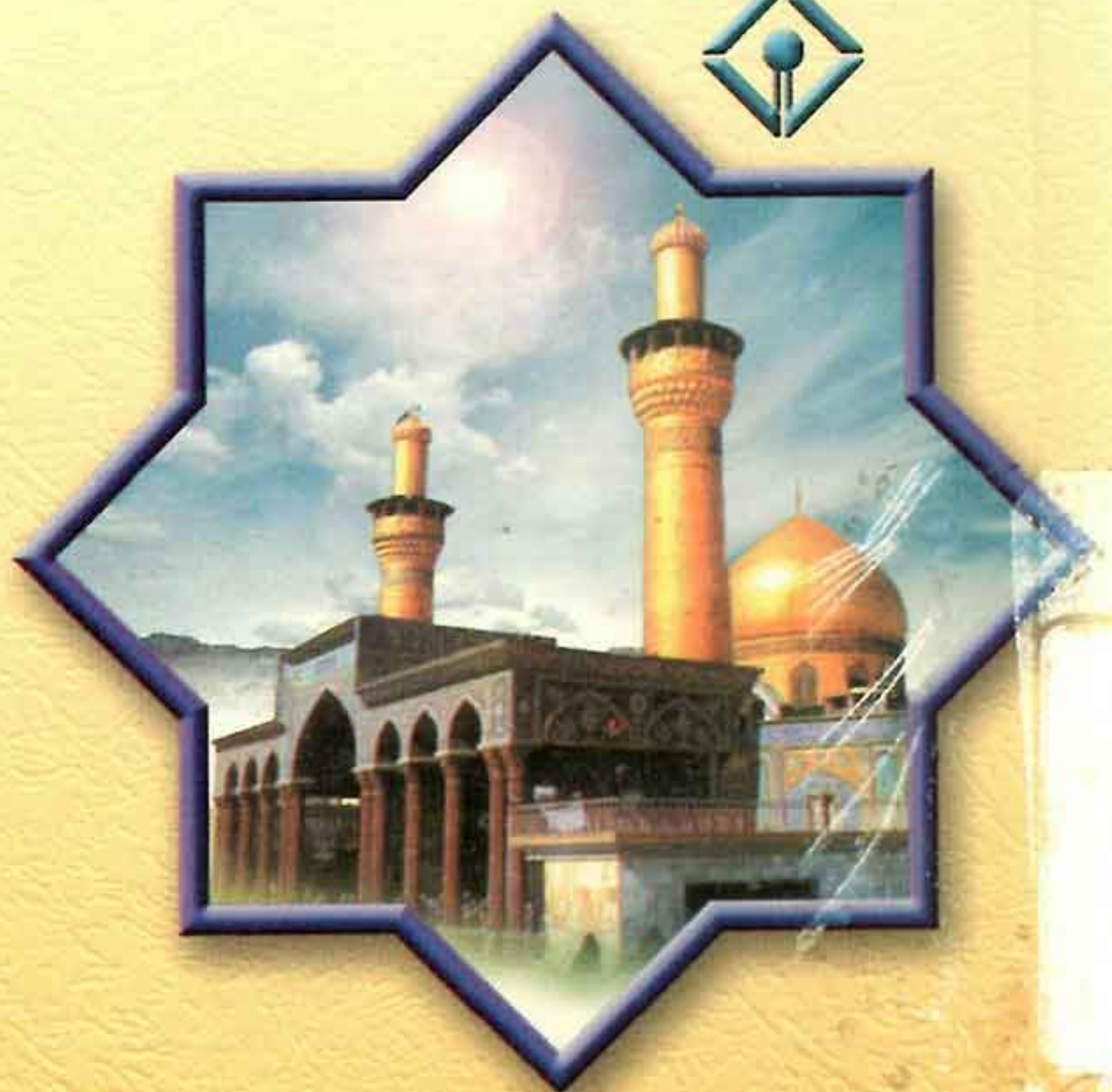


بخش هایی از



توقیعات و زیارات مقدّسه

بقیة الله الاعظم (عج)



گردآورنده:

محمد حسین آسوده

بخش‌هایی از
توقیعات و زیارات مقدّس
بقیة الله الاعظم - عجل الله فرجه



گردآورنده:
محمّد حسین آسوده

حق چاپ محفوظ است

نام کتاب: توقیعات و زیارات مقدس بقية الله الاعظم (عج)
گرد آورنده: محمد حسین آسوده
ناشر: مهدیار
نوبت چاپ: اول
سال: ۱۳۸۰ هـ.ق
چاپخانه: محمد
تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۳۵۰ تومان

شابک: ۹۶۴ - ۵۶۹۷ - ۶۸ - ۹

Email: asudeh@yahoo.com

مرکز پخش: قم / مهدیار ۷۷۴۴۸۵۲-۰۲۵۱



«فهرست مطالب»

۹	 سر آغاز چاپ اوّل
۱۳	 درآمدی بر چاپ هشتم

بخش اوّل:

۱۷	 افتخار مکاتبة شیخ مفید رحمۃ اللہ علیہ
۱۹	 آگاهی بر امور شیعیان
۲۰	 یادآوری و رسیدگی
۲۰	 لزوم محبت
۲۱	 ادای حقوق الهی
۲۲	 سعادت دیدار
۲۳	 علت غیبت
۲۴	 کیفیت بهره‌وری
۲۵	 داعیه داران دروغین
۲۶	 نگهداری حق
۲۷	 حق امام زمان علیه السلام
۲۸	 نشانه قیام
۲۹	 رابطه آفرینش و روزی بخشی خداوند با امامان علیهم السلام
۲۹	 زنان در بهشت
۳۰	 الگو، فاطمه زهرا علیها السلام
۳۱	 زمین و حجت خدا
۳۱	 راویان حدیث
۳۲	 وقت ظهور
۳۲	 فرجام کار

۳۳	 برد باری
۳۳	 آزار دهندگان امام عصر علیه السلام
۳۳	 دین و هدایت
۳۴	 نماز
۳۴	 سجده شکر
۳۵	 فضیلت تسبیح تربت سیدالشهداء علیهم السلام
۳۵	 قدرها و تقدیرات الهی
۳۶	 حساسیت اموال امام زمان علیه السلام
۳۶	 زیانکاران
۳۷	 خطاب به چهارمین نائب خاص
۳۷	 انکار حجت خدا
۳۸	 خدا با ولی حق
۳۸	 گمراهی پس از هدایت
۳۹	 حق و باطل
۳۹	 سخت شدن زمانه
۴۰	 یاری شیخ مفید در فتوا
۴۰	 یاور مردم
۴۱	 وظیفه انسانها تا قیامت
۴۳	 خالق و خلاق
۴۷	 پیامبران و امتها
۴۹	 دعا

بخش دوم:

۵۳	 مقدمه:
۵۵	 اولین شهید کربلا از بنی هاشم
۵۶	 شهید شیر خوار

۵۷	منادی ولایت در کربلا
۵۸	علمدار کربلا
۵۸	پیشتاز در ستیز
۵۹	قاسم بن الحسن علیه السلام
۶۱	جایگاه تیرها و شمشیرها
۶۲	مسلم بن عوسجة اسدی
۶۴	تو را رها نمی‌کنیم
۶۵	بشر بن عمر حضرمی
۶۶	زهیر بن قین بجلی
۶۷	سلام بر بهترین یاران
۶۸	سلام بر حسین
۶۸	سلام بر فرزند فاطمه زهرا علیها السلام
۶۹	سلام بر آغشته به خون
۷۰	سلام بر لبهای خشکیده
۷۱	سلام بر کشته مظلوم
۷۲	سلام بر بدنهای غارت شده
۷۳	سلام بر سر بریده
۷۴	سلام برگونه و رخسار خاک آلود
۷۵	سلام بر تو ای آقای من
۷۵	سلام بر تو... سلام دردمند گرفته و محزون
۷۷	به جای اشک برایت خون می‌گیریم
۷۸	امر به معروف و نهی از منکر نمودی
۷۹	به حجتها و دلیلهای خداوند قیام کردی
۸۰	باران بهاری یتیمان
۸۱	نماز شب گزار در تاریکیها
۸۲	صاحب رکوع و سجود طولانی

۸۲	 زاهد در دنیا
۸۳	 حقیقت را به روشنی و درستی آشکار کردی
۸۴	 کارزار با ذوالفقار به سان علی علیه السلام
۸۵	 شگفتی فرشتگان از صبر حسین علیه السلام
۸۷	 زخمهای کاری
۸۸	 آماده شهادت
۸۸	 اهل حرم شتابان به سوی قتلگاه
۸۹	 سر عزیز زهرا علیها السلام بر روی نیزه
۹۰	 با کشتن تو اسلام را کشتند
۹۱	 کتاب خدا رها شد
۹۲	 پیامبر صلی الله علیه و آله و زهرا علیها السلام گریان و سوگوار
۹۳	 عزا و ماتم در اعلیٰ علین
۹۴	 خاتمه

سر آغاز چاپ اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ
 وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^(۱)

﴿و اراده کردیم بر مستضعفان زمین منت گذاریم و آنان را
 پیشوایان قرار دهیم و وارث زمین گردانیم﴾

حمد و سپاس بی کران پروردگار جهانیان را، و سلام و صلوات
 فراوان بر بشیر و نذیر، محمد مصطفی ﷺ خاتم پیامبران و اهل
 بیت پاکش علیهم السلام، پیشوایان بشر، امامان بر حق و حجتهای خدا بر
 خلق، و لعن و نفرین الهی بر تمامی دشمنان آنان باد.

معرفت و شناخت فضائل مصلح کل و یگانه منجی عالم بشریت،
و آخرین حجت خدا حضرت مهدی علیه السلام، خارج از حد ادراک ما
است، و بر شمردن معجزات و کرامات و عنایات خاصه آن بزرگوار
از توان ما بر نمی آید.

در طول سالیان درازی که از زمان غیبت کبرای آن حضرت - عجل
الله تعالی فرجه الشریف - می‌گذرد، عنایات و الطاف زیادی به
صورت‌های مختلف از آن وجود مقدس، به ظهور رسیده و با
وجود غایب بودن از دیده‌ها، بهره‌های فراوانی از ایشان نصیب
گشته، که حکایت برخی از آنها در میان صدها کتابی که درباره آن
عزیز نوشته‌اند، به چشم می‌خورد.^(۱)

از جمله الطاف و عنایات خاص ولی الله الأعظم امام زمان
- ارواحنا له الفداء - توقیعاتی^(۲) (نامه‌هایی) است که در جواب سؤالات
شیعیان و یا خطاب به بعضی از علما و صلحای زمان که در عصر

۱ - برای اطلاع بیشتر ر.ک: در جستجوی قائم - عجل، چاپ مسجد مقدس صاحب
الزمان علیه السلام (جمکران) - قم مراجعه فرمایید.

۲ - توقیع = نشان گذاشتن بر چیزی، امضا کردن نامه و فرمان، نوشتن چیزی در ذیل نامه
یا کتاب و به معنی فرمان و دستخط و طغرای پادشاه. (فرهنگ فارسی عمید، ج ۱،
ص ۶۴۱).

برای اطلاع بیشتر ر.ک: لغت نامه دهخدا، ج ۸، ص ۱۱۲۲ - ۱۱۲۳: فرهنگ فارسی
معین، ج ۱، ص ۱۱۶۹؛ غیاث اللغات، ص ۲۳۲؛ لسان العرب، ج ۸، ص ۴۰۶.

غیبت^(۱) از ناحیه مقدسه صادر گشته است، و اینک گزیده‌ای از آنها را تقدیم می‌کنیم، تا جویندگان طریق ولایت آن حضرت علیه السلام و عاشقان کویش از آن بهره برده و با عمل به فرمایش و دستورهای مبارکش موجبات رضایت و خشنودی‌اش را - که همانا رضا و خشنودی الهی است - فراهم آورند.

به امید آن روز که قائم آل محمد - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از پس پرده غیبت به درآید و جهان را پر از عدل و داد کند هم چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد^(۲) و پرچم حکومت جهانی اسلام را در سراسر گیتی برافرازد و تمامی بیرق‌های باطل را به زیر افکند. ان شاء الله.

۱ - در زمان غیبت صغری شیعیان به واسطه نواب اربعه و یا وکلای عام با امام زمان علیه السلام ارتباط داشتند و سؤالات و مشکلات خویش را به واسطه ایشان به آن حضرت می‌رساندند و توسط آنان جواب دریافت می‌نمودند و در عصر غیبت کبری نیز توقیعاتی خطاب به بعضی بزرگان و مفاخر شیعه همچون شیخ مفید و آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی علیه السلام به واسطه یکی از شیعیان مخصوص خود صادر فرمودند.

۲ - مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۸؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷ و ۳۶ و ۳۷؛ سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۵۲ و ۱۵۳، ج مصر؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۶ و ۳۱۷؛ الاربعین حدیثاً فی ذکر المهدي، حدیث ۲۲ و ۲۳؛ التدوین، ج ۲، ص ۸۴؛ تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۳۸؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۷؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۴ و ۳۳۵؛ اسد الغابة، ج ۱، ص ۲۵۹؛ الصواعق المحرقة، ص ۹۸؛ تذکرة الخواص، ص ۲۰۴؛ الجامع الصغير، ج ۲، ص ۳۴۵؛ سنن السجستانی، ج ۴، ص ۱۵۱؛ ینابیع المودة، ص ۴۴۵؛ مودة القربی، ص ۹۸؛ الکنی والاسماء، ج ۱، ص ۱۰۷؛ سنن المصطفی، ص ۵۱۷؛ کنز العمال، ج ۷، ص ۲۶۰ (به نقل از «من هو المهدي عليه السلام»، استاد شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی، مؤسسه نشر اسلامی).

گردآوری این کلمات گهربار همزمان با ایام شهادت مادر پهلو شکسته‌اش صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام که او نیز در انتظار ظهور فرزند دل‌بندش مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و دادخواهی او از ستم‌ها و ظلم‌هایی که بدو شده است، به پایان رسید.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ
وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى
طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ»^(۱)

درآمدی بر چاپ هشتم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 ﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ
 وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا، إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾. (۱)

﴿ای عزیز!

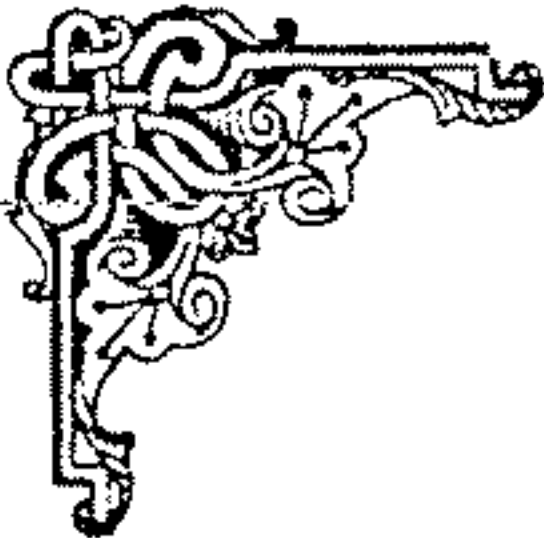
بر ما و کسان ما دردی جانکاه فروریخته و اینک با بضاعتی اندک به
 سویت آمده ایم؛ پس پیمانۀ ما را تمام بده و بر ما صدقه کن که بی گمان
 خدا صدقه دهندگان را پاداش می دهد﴾.

حمد و سپاس ایزد منان را، و سلام و درود فراوان بر خاتم
 رسولان و اهل بیت گرامی اش - صلوات الله علیهم اجمعین - و لعن و
 نفرین الهی بر جمیع دشمنان آنان باد.

کلمات گهرباری که پیش رو دارید، بخش‌هایی از توقیعات مقدس حضرت بقیه الله الأعظم - که خدا در ظهورش تعجیل کند - است که بحمدالله به ضمیمه کرامات المهدی توسط واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران در چند نوبت به چاپ رسید و به خاطر پیشنهاد دوستان مبنی بر افزودن مطالبی بر آن، مناسب دیده شد اقدامی در این باره صورت گیرد، که به لطف خدا و الطاف حضرت ولی عصر - جان ما فدای خاک پاک پایش باد - به ضمیمه قسمت‌هایی از زیارات ناحیه مقدسه تکمیل و به اتمام رسید.

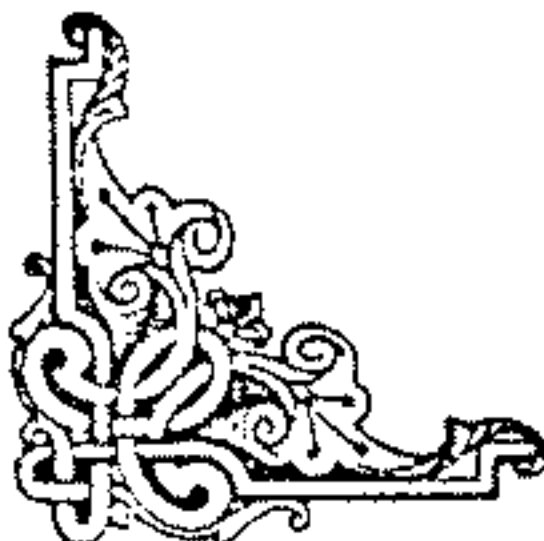
امید است توشه‌ای برای سرای آخرت باشد. ان شاءالله

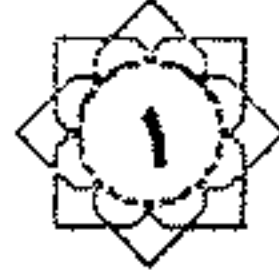
اَللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى
 آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا
 وَنَاصِرًا وَدَلِيلاً وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ اَرْضَكَ طَوْعاً
 وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً.



بخش اوّل:

بخش‌هایی از
توقیعات مقدّس
بقیة الله الاعظم - عجل الله فرجه



افتخار مکاتبه شیخ مفید رحمه الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«أَمَّا بَعْدُ : سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ، الْمَخْصُوصُ
فِينَا بِالْيَقِينِ ، فَإِنَّا نَحْمَدُ إِلَيْكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَ نَسْأَلُهُ الصَّلَاةَ عَلَى
سَيِّدِنَا وَ مَوْلَانَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

وَ نُعَلِّمُكَ - أَدَامَ اللَّهُ تَوْفِيقَكَ لِنُصْرَةِ الْحَقِّ وَ أَجْزَلَ مَثُوبَتِكَ عَلَى
نُطْقِكَ عَنَّا بِالصِّدْقِ - : أَنَّهُ قَدْ أُذِنَ لَنَا فِي تَشْرِيفِكَ بِالْمُكَاتَبَةِ وَ تَكْلِيفِكَ مَا
تُؤَدِّيهِ عَنَّا إِلَى مَوَالِينَا قَبْلَكَ، أَعَزَّهُمُ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ، وَ كَفَاهُمُ الْمُهْمُ بِرِعَايَتِهِ
لَهُمْ وَ حِرَاسَتِهِ ، فَقِفْ - أَيَّدَكَ اللَّهُ بِعَوْنِهِ عَلَى أَعْدَائِهِ الْمَارِقِينَ مِنْ دِينِهِ -
عَلَى مَا أَذْكُرُهُ وَ أَعْمَلُ فِي تَأْدِيتِهِ إِلَى مَنْ تَسْكُنُ إِلَيْهِ نَرْسُمُهُ إِنْ
شَاءَ اللَّهُ»^(۱)

۱ - احتجاج. ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، مشهد. چاپ سعید، ج ۲، ص ۴۹۷؛ بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

به نام خداوند بخشنده مهربان

اما بعد، سلام بر تو، ای دوست با اخلاص در دین. ویژگی تو این است که در اعتقاد به ما، علم و یقین داری. در منظر تو خداوندی را که جز او خدایی نیست، سپاس گذارده و از او، درود و رحمت بر آقا و مولا و پیامبرمان حضرت محمد و خاندان پاکش را خواستاریم.

و تو را - که پروردگار توفیقت را برای یاری حق دوام بخشد و پاداشت را به خاطر سخنانی که با صداقت از جانب ما می‌گویی، افزون گرداند - آگاه می‌کنیم به ما اجازه داده شد تو را به مکاتبه شرافت و افتخار دهیم و موظف کنیم آن چه از ما دریافت می‌کنی، به دوستان ما که نزد تو می‌باشند برسانی؛ دوستانی که خداوند به اطاعت خود گرامی شان بدارد و با حراست و عنایات خود امورشان را کفایت بکند. پس به آنچه یادآور می‌شوم، متوجه و آگاه باش - که خداوند با یاری‌اش تو را در برابر دشمنان که از دین خارج شده‌اند، تأیید بنماید - و در رساندن و ابلاغ به کسانی که به آنها اعتماد داری، طبق آن چه برای تو - اگر خدا بخواهد - ترسیم و تعیین می‌کنیم، عمل نما.



آگاهی برامور شیعیان

«نَحْنُ وَإِنْ كُنَّا نَاوِیْنَ بِمَكَانِنَا الثَّانِي عَنْ مَسَاكِنِ الظَّالِمِينَ - حَسَبَ الَّذِي أَرَادَهُ اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَلِشِيعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ - فَإِنَّا نَحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَائِكُمْ، وَلَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ، وَمَعْرِفَتُنَا بِالذُّلِّ الَّذِي أَصَابَكُمْ مَذْجَ كَثِيرٍ مِنْكُمْ إِلَى مَا كَانَ السَّلَفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَاسِعًا، وَتَبَذُّوا الْعَهْدَ الْمَأْخُودَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانَتْهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^(۱)

اگر چه هم اکنون در مکانی دور از جایگاه ستمگران سکنی گزیده‌ایم - که خداوند صلاح ما و شیعیان مؤمن ما را تا وقتی که حکومت دنیا به دست تبہکاران است، در دوری گزیدن، به ما نمایانده است - ولی بر اخبار و احوال شما آگاهییم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست. از خواری و مذلتی که دچارش شده‌اید، با خبریم، از آن زمان که بسیاری از شما به برخی کارهای ناشایست میل کردید که پیشینیان صالح شما از آنها دوری می‌جستند، و عهد و میثاق خدایی را آن چنان پشت سر انداختند که گویا به آن پیمان آگاه نیستند.

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.



یادآوری و رسیدگی

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ
الْأَوَاءُ وَاضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ، فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَظَاهِرُونَا عَلَى
انْتِبَاشِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ أَنَاثَتْ عَلَيْكُمْ»^(۱).

ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد
شما را از خاطر نمی‌بریم. اگر جز این بود، دشواریها و مصیبتها بر
شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می‌کردند.
تقوای خدا پیشه کنید و ما را برای رهایی بخشیدنتان، از فتنه‌ای
که به شما روی آورده است، یاری دهید.



لزوم محبت

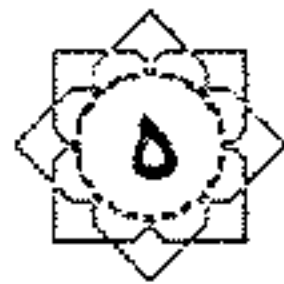
«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا، وَيَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ
كَرَاهَتِنَا وَسَخَطِنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا بِنَعْتَةٍ فَجَاءَ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ، وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ
عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حَوْبَةٍ».

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

وَاللَّهُ يُلْهِمُّكُمُ الرُّشْدَ وَيَلْطِفُ لَكُمْ فِي التَّوْفِيقِ بِرَحْمَتِهِ»^(۱).

هر يك از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک می‌کند و از آنچه خوشایند ما نبود و موجب کراهت و خشم ماست، دوری گزیند؛ زیرا امر ما ناگهان در هنگامی که توبه و بازگشت سودی ندارد می‌رسد، و پشیمانی از گناه، از کیفر نجاتش نمی‌بخشد.

خداوند راه رشد و هدایت را به شما الهام فرماید، و به لطف خویش شما را برای بهره‌وری از رحمت‌هایش توفیق بخشد.



ادای حقوق الهی

«وَنَحْنُ نَعْهَدُ إِلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ الْمُجَاهِدُ فِينَا الظَّالِمِينَ أَيْدِكَ اللَّهُ بِنَصْرِهِ الَّذِي أَيْدَ بِهِ السَّلَفُ مِنْ أَوْلِيَانِنَا الصَّالِحِينَ: أَنَّهُ مَنْ اتَّقَى رَبَّهُ مِنْ إِخْوَانِكَ فِي الدِّينِ، وَأَخْرَجَ مِمَّا عَلَيْهِ إِلَى مُسْتَحَقِّهِ، كَانَ آمِنًا مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُبِطِلَةِ، وَمِخْنِهَا الْمُظْلِمَةِ الْمُظْلَّةِ، وَمَنْ بَخَلَ مِنْهُمْ بِمَا أَعَادَهُ اللَّهُ مِنْ نِعْمَتِهِ عَلَى مَنْ أَمَرَهُ بِصِلَتِهِ، فَإِنَّهُ يَكُونُ خَاسِرًا بِذَلِكَ لِأَوْلَاهُ وَآخِرَتِهِ»^(۲).

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۲ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

[شیخ مفید^(۱)] - ای دوست با اخلاص که در راه ما با ستمگران در ستیز و پیکاری، خداوند تو را به نصرت و یاری خویش، همان گونه که دوستان شایسته پیشین ما را تأیید فرمود، تأیید کند - سفارش می‌کنیم هر يك از برادران دینی تو که تقوای خدا پیشه کرد و آنچه را که برگردن دارد، به مستحقان^(۲)ش رساند، در فتنه ویرانگر بر باد دهنده و گرفتاریها و آشفتگی‌های تاریک و گمراه کننده در امان خواهد بود و آن کس که در دادن نعمتهایی که خداوند به او کرامت فرمود، به کسانی که فرمان رسیدگی به آنها را داد، بخل ورزد، زیانکار دنیا و آخرت خویش خواهد بود.



سعادت دیدار

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا، وَلَتَعَجَّلْتَ لَهُمُ السَّعَادَةَ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا، فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ. وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ، وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَصَلَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا الْبَشِيرِ النَّذِيرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَامٌ»^(۱).

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷ - ۱۷۸.

اگر شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتشان دهد - در راه ایفای پیمانی که بر عهده دارند، همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت؛ دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما. پس ما را از ایشان باز نمی‌دارد مگر آنچه از کردارهای آنان که به ما می‌رسد و ما را ناخوشایند است و از آنان روا نمی‌دانیم.

از خداوند یاری می‌طلبیم و او ما را کفایت کرده و وکیل خوبی است و صلوات و سلام خدا بر سید بشارت دهنده و بیم دهنده ما، محمد، و خاندان پاک او باد.



علت غیبت

«وَأَمَّا عَلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ﴾^(۱) إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغِيَةِ زَمَانِهِ، وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِغِ فِي عُنُقِي»^(۲).

۱ - مائده، ۱۰۱.

۲ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۱؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱؛ غیبت، شیخ طوسی، تهران.

در مورد علت غیبت ما، خداوند عزوجل می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهایی که اگر برایتان آشکار شود، ناراحت می‌شوید سؤال نکنید».

هیچ یک از پدرانم نزیستند مگر آن که بیعتی از طاغوت زمانشان بر ایشان تحمیل گشت، اما زمانی که من قیام می‌کنم؛ بیعت هیچ یک از طاغیان و طاغوتها بر گردنم نیست.



کیفیت بهره‌وری

«وَأَمَّا وَجْهُ الْأَنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبِي، فَكَالْأَنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنْ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ، وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، فَأَغْلِقُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْنِيكُمْ، وَلَا تَتَكَلَّفُوا عِلْمَ مَا قَدْ كُفِّتُمْ، وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»^(۱).

اما کیفیت بهره‌وری از من در دوران غیبت، همچون بهره‌وری از خورشید به هنگامی است که ابر آن را از دیدگان بپوشاند، و من

❦ نینوی الحدیثه، ص ۱۷۷؛ کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ص ۴۸۵.

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۱؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱ - ۱۸۲، غیبت، ص ۱۷۷ - ۱۷۸؛ کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۸۵.

برای اهل زمین موجب امان و امنیت می‌باشم، همچنان که ستارگان برای اهل آسمان امانند، پس، از آنچه به شما مربوط نیست، پرسش نکنید، و برای دانستن آنچه از آن بی‌نیاز هستید، خود را به تکلف و مشقت نیندازید.

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، که همین دعا، فرج است.



داعیه داران دروغین

«وَلْيَعْلَمُوا أَنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَفِينَا، لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَابٌ مُفْتَرٍ، وَلَا يَدَّعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌّ غَوِيٌّ، فَلْيَقْتَصِرُوا مِنَّا عَلَى هَذِهِ الْجُمْلَةِ دُونَ التَّفْسِيرِ، وَيَقْنَعُوا مِنْ ذَلِكَ بِالتَّعْرِيزِ دُونَ التَّصْرِيحِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ»^(۱).

باید بدانند حق با ما و نزد ماست؛ جز ما، کسی این سخن را بر زبان نمی‌راند مگر دروغگوی تهمت زن. و غیر از ما، احدی این ادعا را نمی‌کند مگر آنکه گمراه و گمراه کننده است. به همین جمله از ما اکتفا کنند و تفسیرش را نخواهند، و به همین کنایه قناعت کنند، و دنبال تصریح آن نروند که به خواست خدا کنایه آنها را بس است.

۱ - کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱، به نقل از کمال الدین.

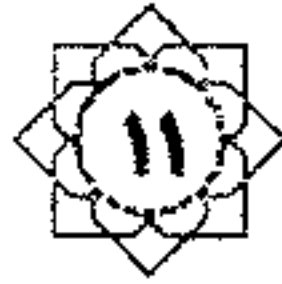


نگهداری حق

«حَفِظَ اللَّهُ الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ، وَأَقَرَّهُ فِي مُسْتَقَرِّهِ، وَأَبَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ تَكُونَ الْإِمَامَةُ فِي الْأَخَوَيْنِ إِلَّا فِي الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَإِذْ أَذِنَ اللَّهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَاضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ، وَانْجَسَرَ عَنْكُمْ، وَإِلَى اللَّهِ أَرْغَبُ فِي الْكِفَايَةِ، وَجَمِيلِ الصُّنْعِ وَالْوِلَايَةِ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»^(۱)

خداوند حق را برای اهلش نگه داشته و آن را در جایگاه خود ثابت قرار داده است و از اینکه امامت و پیشوایی را در دو برادر جز حسن و حسین [علیهما السلام] قرار دهد، خودداری نموده است، و هرگاه خداوند اجازه سخن گفتن به ما بدهد، حق آشکار و باطل نابود می‌شود و از شما دور می‌گردد و من به خداوند روی می‌آورم تا امور ما را کفایت نماید و با ما به نیکویی رفتار کند و سرپرستی فرماید و او وکیل خوبی است. درود خداوند بر محمد و خاندانش باد.

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۹؛ غیبت، ص ۱۷۶؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۶.



حق امام زمان علیه السلام

«وَلَوْلَا أَنَّ أَمْرَ اللَّهِ لَا يُغْلَبُ، وَسِرِّهُ لَا يَظْهَرُ وَلَا يُعْلَنُ، لَظَهَرَ لَكُمْ مِنْ حَقِّ مَا تَبْتَرُ مِنْهُ عُقُولُكُمْ، وَيُزِيلُ شُكُوكَكُمْ وَلَكِنَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، وَلِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَسَلِّمُوا لَنَا وَرُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا فَعَلَيْنَا الْإِصْدَارَ كَمَا كَانَ مِنَّا الْإِپْرَادُ، وَلَا تُحَاوِلُوا كَشْفَ مَا غُطِّيَ عَنْكُمْ، وَلَا تَهْمِلُوا عَنِ الْيَمِينِ وَتَعْدِلُوا إِلَى الْيَسَارِ، وَاجْعَلُوا قُصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ»^(۱)

اگر این نبود که نباید امر خدا نادیده گرفته شود و سرّ الهی آشکار و ابراز گردد، حقّ ما آن گونه بر شما ظاهر می‌شد که عقل‌هایتان را برُباید و تردید‌هایتان را برطرف کند، لیکن آنچه را که خداوند خواسته، انجام می‌شود و برای هر سرآمدی، مکتوب و نوشته‌ای است.

از خدا بترسید و تسلیم ما شوید و کار را به ما واگذارید. بر ماست که شما را از سرچشمه سیراب آوریم، چنان که شما را به سرچشمه بردیم.

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹؛ غیبت، ص ۱۷۳.

برای کشف آنچه از شما پوشیده مانده است، کوشش مکنید، و از راه راست منحرف نشوید، و به نادرستی نگرایید.

و بر اساس سنت آشکار الهی، با محبت و دوستی، راه و مقصدتان را به سوی ما قرار دهید.



نشانه قیام

«وَايَةُ حَرَكَتِنَا مِنْ هَذِهِ اللَّوْنَةِ حَادِثَةٌ بِالْحَرَمِ الْمُعَظَّمِ، مِنْ رَجَسٍ مُنَافِقٍ مُذَمَّمٍ، مُسْتَحِلٌّ لِلْدَّمِ الْمُحَرَّمِ، يَعْمَدُ بِكَيْدِهِ أَهْلَ الْإِيمَانِ، وَلَا يَبْلُغُ بِذَلِكَ غَرَضَهُ مِنَ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ، لِأَنَّنَا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِمْ بِالِدُّعَاءِ الَّذِي لَا يُخَجَّبُ عَنْ مَلِكِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»^(۱).

نشانه حرکت و قیام ما از این خانه نشینی، حادثه‌ای است که در مکه معظمه روی خواهد داد؛ حادثه‌ای برخاسته از پلیدی انسانی دو رو و نکوهیده که خونریزی را حلال می‌شمرد و با کید و نیرنگ، قصد جان مؤمنان را می‌نماید، اما به هدف ظالمانه و ستم بار خود نخواهد رسید، زیرا ما با دعایی که از مالک آسمان و زمین پوشیده نمی‌ماند و رد نمی‌شود، برای حفاظت و نگهداری آنان آماده‌ایم.

^(۱) - المستدرج، ج ۲، ص ۴۹۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.



رابطه آفرینش و روزی بخشی خداوند با امامان علیهم‌السلام

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى هُوَ الَّذِي خَلَقَ الْأَجْسَامَ، وَقَسَّمَ الْأَرْزَاقَ، لِأَنَّهُ لَيْسَ بِجِسْمٍ وَلَا خَالٌ فِي جِسْمٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. وَأَمَّا الْأَئِمَّةُ عليهم‌السلام، فَإِنَّهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَيَخْلُقُ، وَيَسْأَلُونَهُ فَيَرْزُقُ إِبْجَابًا لِمَسْأَلَتِهِمْ وَإِعْظَامًا لِحَقِّهِمْ»^(۱).

خداوند متعال کسی است که اجسام را آفرید و روزی را تقسیم کرد. نه خود جسم است و نه در جسمی حلول کرده است. چیزی مانند او نیست و او شنوای بیناست.

اما امامان علیهم‌السلام از خدا درخواست می‌کنند و خداوند به خاطر اجابت درخواست آنان و بزرگداشت حق ایشان، موجودات را می‌آفریند و روزی می‌بخشد.



زنان در بهشت

«إِنَّ الْجَنَّةَ لَا حَمْلَ فِيهَا لِلنِّسَاءِ، وَلَا وَلَادَةَ، وَلَا طَمْثَ، وَلَا نِفَاسَ، وَلَا

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۲: غیبت، ص ۱۷۸.

شِقَاءَ بِالطُّفُولِيَّةِ، «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ»^(۱)، كَمَا قَالَ
سُبْحَانَهُ، فَإِذَا اشْتَهَى الْمُؤْمِنُ وَلَدًا خَلَقَهُ اللَّهُ بِغَيْرِ حَمَلٍ وَلَا وَلَادَةٍ عَلَى
الصُّورَةِ الَّتِي يُرِيدُ كَمَا خَلَقَ آدَمَ عِبْرَةً^(۲).

زنان در بهشت نه بچه دار می‌شوند و نه می‌زایند. نه خون
حیض و نفاس می‌بینند و نه رنج بچه‌داری را تحمل می‌کنند، و در
بهشت چنان که خداوند متعال فرمود، چیزهایی است که جانها و
نفوس از آنها خوششان می‌آید و چشمها لذت می‌برند.
هرگاه مؤمنی بخواهد فرزندی داشته باشد، خداوند بدون حمل
و زادن - همان گونه که در آغاز آدم را آفرید - فرزندی که دلخواه
اوست، برایش می‌آفریند.



الگو، فاطمة زهرا علیها السلام

«وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [وَعَلَيْهَا] إِلَى أُسْوَةٍ
حَسَنَةٍ»^(۳).

دختر رسول خدا، برای من اسوه و الگویی نیکوست. درود خدا
بر او و پدرش و خاندانش باد.

۱ - زخرف (۴۳) آیه ۷۱.

۲ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۸۸؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۶۳.

۳ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰؛ غیبت، ص ۱۷۳ - ۱۷۴.



زمین و حجت خدا

«إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرًا وَإِمَّا مَغْمُورًا»^(۱)

زمین، هیچ گاه از حجت الهی خالی نمی ماند، چه ظاهر و آشکار باشد و چه پنهان و گمنام.



راویان حدیث

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ، فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ»^(۲)

رخدادها و پیش آمدهایی که در آینده روی خواهد داد، در مورد آنها به راویان احادیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجت من بر شمايند و من حجت خدايم.

۱ - کمال الدین و تمام النعمة، ص ۵۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱.
 ۲ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۰؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱؛ غیبت، ص ۱۷۷؛ کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۸۴.



وقت ظهور

«وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ؛ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَكَذِبَ الْوَقَاتُونَ»^(۱)

ظهور فرج، بسته به اراده خداست و آنان که وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند.



فرجام کار

«وَالْعَاقِبَةُ - بِجَمِيلِ صُنْعِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ - تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ مَا اجْتَنَبُوا الْمَنِيَّ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ»^(۲)

فرجام کار شیعیان - به فضل احسان و نیکوکاری خداوند سبحان - تا آن زمان که از گناهان دوری گزینند، پسندیده و نیکو خواهد بود.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱؛ غیبت، ص ۱۷۷؛ کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۸۴.

۲ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.



بردباری

«إِنَّ اللَّهَ ذُو أَنَاةٍ وَأَنْتُمْ تَسْتَغِلُّونَ»^(۱)

خداوند صابر و شکیباست و شما عجله می کنید.



آزار دهندگان امام عصر عجل الله فرجه

«قَدْ آذَانَا جُهَلَاءُ الشُّبُعَةِ وَ حُمَقَاؤُهُمْ، وَ مَنْ دِينُهُ جَنَاحُ الْبَعُوضَةِ
أَرْجَحُ مِنْهُ»^(۲)

نادانان و کم خردان شیعه و کسانی که بال پشه از دینداری آنان
محکومتر است، ما را می آزارند.



دین و هدایت

«إِنَّ الدِّينَ لِمُحَمَّدٍ وَ الْهُدَايَةُ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لِأَنَّهَا لَهُ صَلَّى اللَّهُ

۱ - کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۵.

۲ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴ و ۴۷۳.

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِي عَقِبِهِ بَاقِيَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، فَمَنْ كَانَ كَذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الْمُهْتَدِينَ ، وَ مَنْ شَكَّ فَلَا دِينَ لَهُ ، وَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَى .^(۱)

دین از محمد ﷺ و هدایت از امیرالمؤمنین علی ﷺ و بعد از او در فرزندان او تا روز قیامت است. هر کس این چنین باشد از هدایت یافتگان است و آن کس که شک و تردید داشته باشد، بی‌دین است، و از گمراهی بعد از هدایت به خداوند پناه می‌برم.



نماز

«فَمَا أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنْ الصَّلَاةِ» .^(۲)

چه کرداری بهتر از نماز، بینی شیطان را به خاک می‌مالد؟



سجده شکر

«سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنَ الزَّمِ السُّنَنِ وَ أَوْجِبُهَا» .^(۳)

سجده شکر از لازم‌ترین و واجب‌ترین سنتهاست.

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۸۶؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۶۰.
 ۲ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۹؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۵۲۰.
 ۳ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۸۷؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۶۱.



فضیلت تسبیح تربت سیدالشهداء علیهم السلام

«فَمَا مِنْ شَيْءٍ مِنَ السَّبْحِ أَفْضَلَ مِنْهُ، وَ مِنْ فَضْلِهِ أَنَّ الرَّجُلَ يُنْسِي التَّسْبِيحَ وَ يُدِيرُ السَّبْحَةَ فَيُكْتَبُ لَهُ التَّسْبِيحُ»^(۱).

چیزی از تسبیح گفتن با تسبیح تربت سیدالشهداء علیهم السلام برتر نیست و از جمله فضائلش آن است که بعضی اوقات انسان تسبیح گفتن را فراموش می‌کند و تسبیح را می‌گرداند و برای او ثواب تسبیح گفتن نوشته می‌شود.



قدرها و تقدیرات الهی

«أَقْدَارُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا تُغَالَبُ، وَ إِرَادَتُهُ لَا تُرَدُّ، وَ تَوْفِيقُهُ لَا يُسْبَقُ»^(۲).

قدرها (تقدیرات) الهی مغلوب نمی‌شود و اراده‌اش برگشت ندارد و بر توفیق او سبقت نتوان گرفت.

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۸۹؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۶۵.

۲ - کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۵۱۱؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱.



حساسیت اموال امام زمان علیه السلام

«لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ أَكَلَ مِنْ مَالِنَا دِرْهَمًا حَرَامًا»^(۱)

لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسی که درهمی از مال ما را به حرام بخورد.



زیانکاران

«كَذِبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا، وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا»^(۲)

آنان که از خدا برگشته‌اند، دروغ گفته و گمراهی بسیاری را پیموده‌اند و زیانی آشکارا نموده‌اند.

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۴؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۲۲.

۲ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۵؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۸۱؛ غیبت، ص ۲۵۳.



خطاب به چهارمین نائب خاص

«فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ، فَلَاظْهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، وَ ذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ، وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا»^(۱)

غیبت تامّه و کامل واقع شد و ظهوری مگر بعد از اجازه خداوند متعال نیست، و این اجازه بعد از مدّتی دراز و تیرگی و سختی دلها و پُر شدن زمین از ظلم و جور است.



انکار حجّت خدا

«لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قِرَابَةٌ، وَمَنْ أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي»^(۲)

بین خدا عزّوجلّ و هیچ کس خویشاوندی نیست، و آن کس که مرا انکار کند، از من نیست.

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۸؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱؛ غیبت ص ۲۴۳؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۶.

۲ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۰؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰؛ غیبت، ص ۱۷۶؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴.



خدا با ولی حق

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَعَنَا فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ وَالْحَقُّ مَعَنَا. فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا، وَنَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدَ صَنَائِعِنَا»^(۱)

خدا با ماست و با بودن او نیازی به دیگری نداریم و حق با ماست و از این که کسی از ما برگردد، ترسی نداریم. ما ساخته شده‌های پروردگارمان هستیم و آفرینش بعد از ما ساخته شده‌های ماست.



گمراهی پس از هدایت

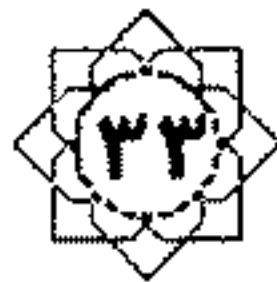
«أَنَا أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْعَمَى بَعْدَ الْجَلَاءِ، وَ مِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَى، وَ مِنْ مُوَبِقَاتِ الْأَعْمَالِ، وَ مُرْدِيَاتِ الْفِتَنِ، فَإِنَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ ﴿أَلَمْ أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتَرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾»^{(۲)(۳)}

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸؛ غیبت، ص ۱۷۳.

۲ - عنکبوت، ۱۷۳.

۳ - کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۱؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۰.

من از کوری بعد از بینایی و از گمراهی پس از هدایت و رفتار
هلاکت بار و فتنه‌های خطرناک به خدا پناه می‌برم. خداوند متعال
می‌فرماید ﴿الم * آیا مردم پنداشته‌اند رها شده‌اند همین که بگویند
ایمان آوردیم، در حالی که هنوز آزمایش نشده‌اند؟!﴾.

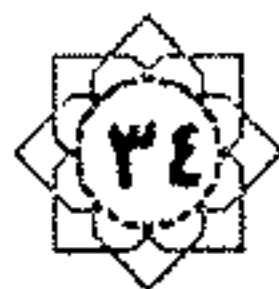


حق و باطل

«أَبَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا إِتْمَامًا، وَلِلْبَاطِلِ إِلَّا زَهُوقًا»^(۱).

خداوند ابا دارد از این که حق را ناتمام گذارد و باطل را از بین

نبرد.



سخت شدن زمانه

«فَإِنَّ الزَّمَانَ أَصْعَبُ مِمَّا كَانَ»^(۲).

زمانه از گذشته سخت‌تر و دشوارتر شده‌است.

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹ - ۲۸۱؛ غیبت، ص ۱۷۴ تا ۱۷۶.

۲ - کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۴۸۷. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۶.



یاری شیخ مفید در فتوا^(۱)

«أَيُّهَا الشَّيْخُ الْمُفِيدُ! مِنْكَ الْفَتْوَى وَمِنَّا التَّسْدِيدُ»^(۲)

ای شیخ مفید! تو فتوا بده، ما اصلاح و استوارش می‌نماییم.



یاور مردم

(نامه‌ای به مرجع اعلیٰ آية الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی)

«أَرْخِضْ نَفْسَكَ، وَاجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي الدَّهْلِيزِ، وَأَقْضِ حَوَائِجَ

النَّاسِ، نَحْنُ نَنْصُرُكَ»^(۳)

۱ - گویند: مردی روستایی به خدمت شیخ مفید رسید و سؤال کرد که زنی حامله فوت شده و حملش زنده است. آیا باید شکم آن زن را شکافت و طفل را بیرون آورد یا این که با حمل او را دفن نماییم؟ شیخ فرمود: با حمل او را دفن کنید. مرد برگشت و در میان راه سواری را دید که سرعت می‌تازد و می‌آید. چون نزدیک رسید، به او گفت: ای مرد! شیخ گفته است: شکم زن را بشکافید و طفل را بیرون آورید و سپس او را دفن کنید. مرد همان طور که سوار گفته بود، عمل کرد. بعد از چندی ماجرا را برای شیخ مفید نقل کرد. شیخ فرمود: من کسی را نفرستادم. معلوم می‌شود آن کس مولایم حضرت صاحب الزمان علیه السلام بوده است و اینک که در احکام شرعی خبط و خطا می‌کنم، همان بهتر که دیگر فتوا ندهم. پس در خانه را بست و از خانه خارج نشد. ناگاه توقیعی از ناحیه مقدسه صادر شد. و شیخ مفید بار دیگر بر مسند فتوا نشست.

۲ - کلمة الامام المهدي عليه السلام، علامة شهيد سيد حسن شیرازی، ص ۵۷۵، نشر آفاق، به نقل از قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، ص ۳۹۹، کتابفروشی علمیه اسلامیة.

۳ - کلمة الامام المهدي عليه السلام، تهران، نشر آفاق، ص ۵۶۵.

فروتنی پیشه کن و در دهلیز خانه‌ات بنشین (در دسترس مردم باش) و حاجات و نیازهای مردم را برآور، ما یاریت می‌کنیم.



وظیفه انسانها تا قیامت

«یا هؤلَاءِ مَا لَكُم فِي الرَّيْبِ تَرَدَّدُونَ، وَفِي الْحَيَرَةِ تَنَعَكِسُونَ، أَوْ مَا سَمِعْتُمُ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾»^(۱)؟ أَوْ مَا عَلِمْتُمْ مَا جَاءَتْ بِهِ الْأَنْبَاءُ بِمَا يَكُونُ وَيَحْدُثُ فِي أَيْمَتِكُمْ، عَلَى الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ مِنْهُمْ السَّلَامُ؟ أَوْ مَا رَأَيْتُمْ كَيْفَ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَعَاوِلَ تَأْوُونَ إِلَيْهَا، وَأَعْلَامًا تَهْتَدُونَ بِهَا، مِنْ لَدُنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَنْ أَظْهَرَ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ، كُلَّمَا غَابَ عِلْمٌ بُدِيَ عِلْمٌ، وَإِذَا أَفَلَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ؟

فَلَمَّا قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ظَنَنْتُمْ: أَنَّ اللَّهَ أَبْطَلَ دِينَهُ، وَقَطَعَ السَّبَبَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ، كَلَّا مَا كَانَ ذَلِكَ وَلَا يَكُونُ، حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ وَيُظْهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ. وَإِنَّ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ مَضَى سَعِيداً فَقِيداً عَلَى مِنْهَاجِ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، (حَذُّوهُمُ) وَالنَّعْلُ بِالنَّعْلِ) وَفِينَا وَصِيَّتُهُ وَعِلْمُهُ، وَمِنْهُ خَلْفُهُ وَمَنْ يَسُدُّ مَسَدَّهُ،

وَلَا يُنَازِعُنَا مَوْضِعُهُ الْأُظَالِمُ آثِمٌ ، وَلَا يَدَّعِيهِ دُونَنَا إِلَّا كَافِرٌ جَاهِدٌ»^(۱).

ای مردم! چرا دچار شك و تردید شده‌اید و در وادی حیرت و سرگردانی گیج می‌خورید؟

آیا نشنیده‌اید که خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و رسول و صاحبان امر را اطاعت نمایید؟» آیا آنچه را که در اخبار و روایات در باره رویدادهایی که در زندگانی پیشوایان شما - برگزشتگان و آیندگان‌شان درود - بوده و در آینده رخ می‌دهد، نمی‌دانید؟ آیا ندیده‌اید چگونه خدای تعالی از عصر حضرت آدم تا زمان حضرت عسکری علیه السلام، سنگرها و پناهگاه‌هایی برای شما قرار داد که به آنها پناهنده شوید و پرچمها و نشانه‌هایی که بدانها هدایت گردید، به طوری که هرگاه پرچمی ناپدید شود، پرچمی دیگر پدیدار می‌شود و هرگاه ستاره‌ای افول کند، ستاره‌ای دیگر می‌درخشد؟

وقتی که خداوند امام عسکری علیه السلام را از دنیا برد، گمان کردید خداوند دینش را باطل کرد و سلسله پیوند بین خود و مخلوقاتش را قطع نمود، نه، چنین نبود و نخواهد بود تا روز قیامت فرا رسد

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹؛ غیبت، ص ۱۷۳.

و فرمان خدا آشکار گردد، در حالی که آنان را خوشایند نباشد. امام
 قبلی - حضرت عسکری علیه السلام - که درگذشت، به سعادت زیست و
 برروش پدران خود - که درود بر آنان باد - (قدم جای قدم آنها
 گذاشت) و از دنیا رفت. وصیت و دانش او نزد ماست و جانشین و
 قائم مقام او از اوست و جز ستمگر گنهکار، کسی با ما در این مسئله
 به مخالفت بر نمی‌خیزد، و غیر از کافر منکر کسی مدعی جانشینی
 او نیست.



خالق و خالایق

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثًا، وَلَا أَهْمَلَهُمْ سُدًى، بَلْ خَلَقَهُمْ
 بِقُدْرَتِهِ، وَ جَعَلَ لَهُمْ أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَقُلُوبًا وَأَلْبَاءَ، ثُمَّ بَعَثَ النَّبِيِّينَ
 عَلَيْهِمُ السَّلَامَ - مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ، يَأْمُرُونَهُمْ بِطَاعَتِهِ وَيَنْهَوْنَهُمْ عَنْ
 مَعْصِيَتِهِ، وَ يُعَرِّفُونَهُمْ مَا جَهَلُوا مِنْ أَمْرِ خَالِقِهِمْ وَ دِينِهِمْ، وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِمْ
 كِتَابًا وَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ مَلَائِكَةً، وَ بَايَنَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَنْ بَعَثَهُمْ إِلَيْهِمْ بِالْفَضْلِ
 الَّذِي جَعَلَهُ لَهُمْ عَلَيْهِمْ، وَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَةِ وَالْبَرَاهِينِ
 الْبَاهِرَةِ، وَ الْآيَاتِ الْغَالِبَةِ، فَمِنْهُمْ: مَنْ جَعَلَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا وَ

اتَّخَذَهُ خَلِيلاً ، وَ مِنْهُمْ : مَنْ كَلَّمَهُ تَكْلِيماً وَ جَعَلَ عَصَاهُ تُعْبَاناً مُبِيناً ، وَ مِنْهُمْ : مَنْ أَحْيَى الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَبْرَأَ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِ اللَّهِ ، وَ مِنْهُمْ مَنْ عَلَّمَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ . ثُمَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا ﷺ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ وَ تَمَّمَ بِهِ نِعْمَتَهُ ، وَ خَتَمَ بِهِ أَنْبِيَائَهُ ، وَ أَرْسَلَهُ إِلَى النَّاسِ كُلِّهِ ، وَ أَظْهَرَ مِنْ صِدْقِهِ مَا أَظْهَرَ ، وَ بَيَّنَّ مِنْ آيَاتِهِ وَ عَلَامَاتِهِ مَا بَيَّنَّ ، ثُمَّ قَبَضَهُ ﷺ حَمِيداً فَقِيداً سَعِيداً ، وَ جَعَلَ الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ إِلَى أَخِيهِ وَ ابْنِ عَمِّهِ وَ وَصِيِّهِ وَ وَارِثِهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ ، ثُمَّ إِلَى الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَلَدِهِ وَاحِداً بَعْدَ وَاحِدٍ ، أَخِي بِهِمْ دِينَهُ ، وَ اتَّمَّ بِهِمْ نُورَهُ ، وَ جَعَلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ إِخْوَتِهِمْ وَ بَنِي عَمِّهِمْ وَ الْأَدْنَيْنِ فَأَلَدْنَيْنِ مِنْ ذَوِي أَرْحَامِهِمْ فَرْقاً بَيِّناً ، تُعْرَفُ بِهِ الْحُجَّةُ مِنَ الْمَحْجُوجِ ، وَالْإِمَامُ مِنَ الْمَأْمُومِ بِأَنَّ: عَصَمَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَ بَرَأَهُمْ مِنَ الْعُيُوبِ ، وَ طَهَّرَهُمْ مِنَ الدَّنَسِ ، وَ نَزَّهَهُمْ مِنَ اللَّبْسِ ، وَ جَعَلَهُمْ خُزَّانَ عِلْمِهِ ، وَ مُسْتَوْدَعَ حِكْمَتِهِ ، وَ مَوْضِعَ سِرِّهِ ، وَ أَيْدَهُمْ بِدَلَائِلَ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَكَانَ النَّاسُ عَلَى سَوَاءٍ ، وَلَادَّعَى أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كُلُّ أَحَدٍ ، وَ لَمَّا عُرِفَ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ ، وَ لَا الْعِلْمُ مِنَ الْجَهْلِ»^(۱).

۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۸ - ۴۶۹؛ غیبت، ص ۱۷۴ - ۱۷۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۴ - ۱۹۵.

خداوند آفریدگان خود را بیهوده نیافرید و سرگردان رها نکرد، بلکه آنان را به قدرت خویش خلق نمود و برایشان چشم و گوش و عقل و دل آفرید، آن گاه پیامبران را - که درود خدا بر آنان باد - به سوی آنها گسیل داشت که بشارت دهند و انداز کنند. آنان را به پیروی از دستور الهی فرمان دهند و از معصیت و نافرمانی بازشان دارند و به آنها آنچه را که درباره آفریدگارشان و دینشان نمی‌دانند، بفهمانند. بر آنها کتاب نازل کرد و ملائکه را بسویشان گسیل داشت و به خاطر فضیلت و دلائل روشن و براهین آشکار و نشانه‌های پیروز که به آنها داد، بین آنها و مردمی که بر آنها مبعوث شده‌اند، تفاوت قرارداد.

پس در میان آنان، یکی را خلیل خود گرفت و آتش را بر او سرد و سلامت نمود، و با دیگری تکلم فرمود و عصایش را ازدهایی بزرگ گردانید. یکی از آنان به اذن خداوند مردگان را زنده می‌کرد و کور مادرزاد و مبتلای به برص را شفا می‌بخشید و دیگری را زبان پرندگان آموخت و از هر چیز به او عطا فرمود.

آن گاه محمد ﷺ را بعنوان رحمت برای جهانیان برانگیخت و نعمتش را بر او تمام کرد و پیامبرانش را به او پایان بخشید و او را به سوی همه انسانها فرستاد، و صداقت و راستی او را آشکار

ساخت، و نشانه‌های [صداقت] آن حضرت را روشن نمود، و سپس او را راضی و سعادتمند به جوار رحمت خود برد، و بعد از او کار را به برادر و پسر عمو و وارث او علی بن ابیطالب علیه السلام واگذار کرد.

بعد از او به جانشینانی که از فرزندان اویند، یکی بعد از دیگری سپرد، تا دینش را توسط آنها زنده ساخت، و نورش را با آنان تکمیل فرمود، و بین آنها و دیگر برادران و پسر عموها و نزدیکانشان تفاوتی آشکار قائل شد، تا بدان وسیله فرقی بین او و کسانی که بر آنان حجّت‌اند، شناخته شود، و تفاوت رهبر و پیشوا از پیرو معلوم گردد، به این که: آنان از گناهان دورند و از عیبه‌ها و زشتیها پیراسته‌اند و از آلودگی پاک‌اند و از اشتباه و خطا منزّه و محفوظ‌اند و آنان را نگهبانان گنجینه علم خویش و امانت دار حکمت خود و راز دار اسرار خویش قرار داد و با دلائل روشن تأیید و پشتیبانی نمود و اگر اینها نبود، آنان با دیگر افراد بشر مساوی بودند و هرکسی می‌توانست ادّعا کند از سوی خداوند رسالتی دارد و در آن صورت حق از باطل و دانایی از نادانی، شناخته نمی‌شد.



پیامبران و امتها

«كَانَ مِنْ تَقْدِيرِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ وَلُطْفِهِ بِعِبَادِهِ وَحِكْمَتِهِ: أَنْ جَعَلَ أَنْبِيَائَهُ مَعَ هَذِهِ الْمُعْجَزَاتِ فِي حَالِ غَالِبِينَ وَ أُخْرَى مَغْلُوبِينَ وَ فِي حَالِ قَاهِرِينَ وَ أُخْرَى مَقْهُورِينَ وَ لَوْ جَعَلَهُمُ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِمْ غَالِبِينَ وَ قَاهِرِينَ، وَلَمْ يَبْتَلِهِمْ وَلَمْ يَمْتَحِنْتَهُمْ، لَاتَّخَذَهُمُ النَّاسُ آلِهَةً مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَلَمَّا عُرِفَ فَضْلُ صَبْرِهِمْ عَلَى الْبَلَاءِ وَالْمَحَنِ وَالِاخْتِبَارِ. وَلَكِنَّهُ جَعَلَ أَحْوَالَهُمْ فِي ذَلِكَ كَأَحْوَالِ غَيْرِهِمْ، لِيَكُونُوا فِي حَالِ الْمَحْنَةِ وَ الْبَلَاةِ صَابِرِينَ، وَ فِي حَالِ الْعَاقِبَةِ وَ الظُّهُورِ عَلَى الْأَعْدَاءِ شَاكِرِينَ، وَ يَكُونُوا فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِمْ مُتَوَاضِعِينَ غَيْرَ شَامِخِينَ وَ لَا مُتَجَبِّرِينَ. وَ لِيَعْلَمَ الْعِبَادُ: أَنَّ لَهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَهًا هُوَ خَالِقُهُمْ وَ مُدَبِّرُهُمْ، فَيَعْبُدُوهُ وَ يُطِيعُوا رُسُلَهُ، وَ تَكُونَ حُجَّةُ اللَّهِ ثَابِتَةً عَلَى مَنْ تَجَاوَزَ الْحَدَّ فِيهِمْ، وَادَّعَى لَهُمُ الرُّبُوبِيَّةَ، أَوْ عَانَدَ وَ خَالَفَ، وَ عَصَى وَ جَحَدَ بِمَا أَتَتْ بِهِ الْأَنْبِيَاءُ وَ الرُّسُلُ، وَلِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يُحْيَى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ» (۱).

از تقدیر خداوند بلند مرتبه و لطف او به بندگان و تدبیر حکیمانه او بود که پیامبرانش را با این همه معجزات، گاه پیروز و گاه شکست خورده، گاه دارای سلطه و گاه تحت سلطه قرار داد. اگر خداوند آنان را در تمام موقعیتها پیروز و مسلط قرار می‌داد و به بلا و آزمایش دچارشان نمی‌ساخت، مردم آنان را به عنوان معبوداتی مستقل از خدای عزوجل اختیار می‌کردند، و فضیلت شکیبایی پیامبران بر بلاها و سختی‌ها و آزمایش‌های الهی، معلوم نمی‌گشت.

اما خداوند، موقعیت پیامبران را مانند بقیه مردم قرار داد، تا در حال شدت و بلا شکیبا باشند و در حال رفاه و غلبه بر دشمنان شکرگزار باشند و در تمام مراحل و احوالشان، تواضع و فروتنی پیشه کنند، و گردنفراس و ستم پیشه نباشند، تا بندگان خدا بدانند آنان نیز خدایی دارند که آفریننده و تدبیرکننده امور آنهاست. در نتیجه، به عبادت او و اطاعت از رسولانش رو آورند، و هر کس درباره پیامبران زیاده روی کرده و پروردگارشان بشمارد، یا با آنان عناد ورزد و مخالفت نماید و نافرمانی کند و آنچه را انبیا و پیامبران آورده‌اند، انکار نماید، حجّت الهی درباره‌اش ثابت باشد - و راه عذر بر او بسته شود - و هر کس هلاک و گمراه می‌شود، به سبب دلیل روشن - و با اتمام حجّت - باشد و هر کس زندگی می‌یابد - و

هدایت می‌شود - به خاطر دلیل روشن و با برهانی آشکار باشد.



دعا

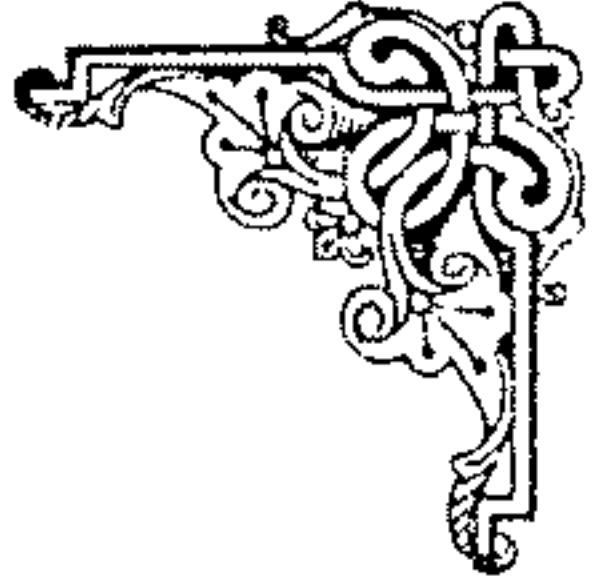
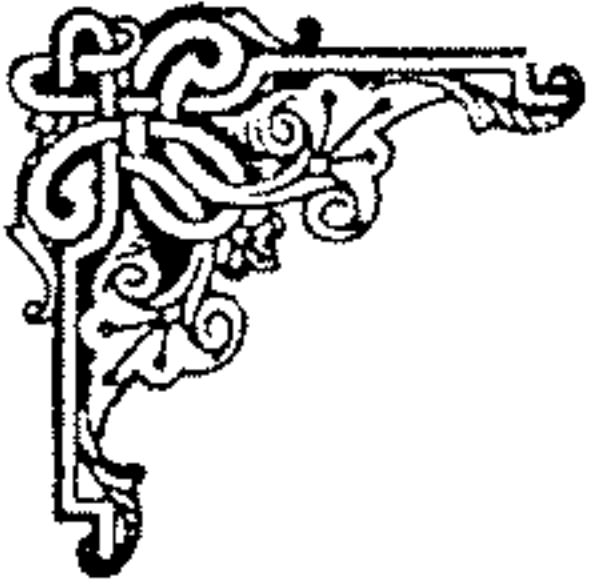
«عَصَمَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الْمَهَالِكِ وَالْأَسْوَءِ وَالْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ كُلِّهَا بِرَحْمَتِهِ إِنَّهُ وَلِيُّ ذَلِكَ وَالْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ، وَكَانَ لَنَا وَلكُمْ وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَالسَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا»^(۱)

خداوند ما و شما را به رحمت خویش از مهلکه و زشتیها و بدیها و آفات و بلايا نگه دارد که او ولی و اختیار دار همه اینهاست و توانا بر آنچه که می‌خواهد. او ولی و نگهدارنده ما و شماست. سلام بر تمامی جانشینان و اولیا و مؤمنان و رحمت و برکات خدا بر آنان باد.

درود و سلام خداوند بر محمد، پیامبرش و خاندان او باد.

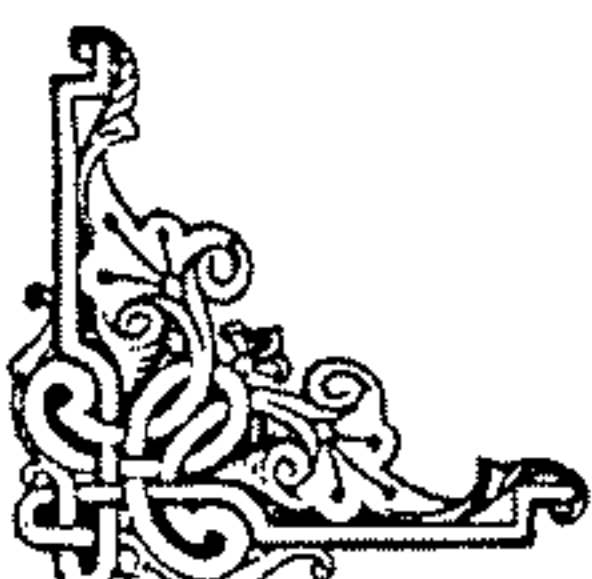


۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷ - ۴۶۸؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰؛ غیبت، ص ۱۷۴.



بخش دوم:

بخش‌هایی از زیارات
ناحیه مقدسه
امام زمان ارواحنا له الفداء



مقدمه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السلام عليك يا أبا عبد الله و على الارواح التي حلت بفنائك عليك مني
سلام الله ابدأ ما بقيت و بقي الليل و النهار و لا جعله الله آخر العهد مني
لزيارتكم السلام على الحسين و على علي بن الحسين و على أولاد
الحسين و على اصحاب الحسين.

سلام و درود بی کران الهی بر سید و سالار شهیدان و احیاگر
دین خدا، حضرت حسین بن علی علیه السلام که باتمام وجود و نهایت
خلوص قدم به عرصه کربلا نهاد و پس از حماسه‌ای عظیم، جان
مقدس خویش و گروهی از اهل بیت مطهرش را به همراه بهترین
اصحاب، تقدیم محضر الهی نمود.

خورشیدی که با نورانیّت خویش بر ابرهای ظلمانی غلبه کرد و
چهره منحوس کافران مسلمان نما را تا قیامت رسوا نمود.

کدامین قلم است که بتواند شمه‌ای از عظمت آن پیشوای مظلوم را به رشته تحریر در آورد و یا کدامین کلام است که بتواند بازگو کننده مختصری از آن واقعه خونین باشد؟!!

امامی که در فاجعه شهادت او آسمانها و زمین گریه کردند، ملائکه نوحه سردادند و پیامبر خدا و اهل بیت پاکش عزادار گشتند و در رثای او سوگواری نمودند.

اینک بخش‌هایی از زیارات ناحیه مقدسه،^(۱) منسوب به وجود مقدس حضرت بقية الله الاعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - که بیانگر شمه‌ای از آن حماسه خونین می‌باشد، جهت بهره‌وری عاشقان و نوحه سرایان حسینی و درج در کتیبه‌ها و پرچمهای عزای سالار شهیدان، تقدیم می‌شود.

به امید آن روز که فرزند برومند شهید کربلا پا به عرصه ظهور نهد و انتقام خونهای مظلوم شهدای کربلا را بستاند و ریشه ظالمان را برکند و عدل و داد را در سراسر گیتی بگستراند.

«اللهم العن أول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له
على ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين و شايعة و
بايعت و تابعت على قتله اللهم العنهم جميعاً»

۱ - برای اطلاع از متن کامل زیارات ناحیه مقدسه رجوع کنید:

مزار کبیر، ص ۱۶۵؛ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۱۷ و ۳۲۸؛ صحیفه مهدویه، فیض، ص ۱۴۲.



اولین شهید کربلا از بنی هاشم

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ قَتِيلٍ ، مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ ، مِنْ سُلَالَةِ إِبْرَاهِيمَ
الْخَلِيلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَبِيكَ إِذْ قَالَ فِيكَ :
قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُوكَ ، يَا بُنَيَّ مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى الرَّحْمَنِ وَ عَلَى انْتِهَاكَ
حُرْمَةِ الرَّسُولِ ، عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَاكَأَنِي بِكَ بَيْنَ يَدَيْهِ [مَائِلًا] مَائِلًا وَ
لِلْكَافِرِينَ قَائِلًا:

أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ نَحْنُ وَ بَيْتُ اللَّهِ أَوْلَى بِالنَّبِيِّ
أَطْعَمَكُمْ بِالرُّمَحِ حَتَّى يَشْتَبِي أَضْرِبُكُمْ بِالسَّيْفِ أَحْمِي عَنْ أَبِي
ضَرَبَ غُلَامٍ هَاشِمِيٍّ عَرَبِيٍّ وَ اللَّهُ لَا يَحْكُمُ فِينَا ابْنُ الدَّعِي
حَتَّى قَضَيْتَ نَحْبَكَ وَلَقِيتَ رَبَّكَ.^(۱)

سلام بر تو ای اولین کشته از نسل بهترین فرزندان سلاله ابراهیم
خلیل، درود خداوند بر تو و بر پدرت باد . آن گاه که در باره تو
گفت:

ای پسر من، خداوند بکشد قومی که تو را کشت، به خاطر آنچه

ایشان را بر خداوند بخشنده جری کرد و به هتک حرمت رسول و
داشت. بر دنیا پس از تو نابودی باد.

بدان سان که تو بودی و در پیش روی حسین علیه السلام جنگیدی و به
دشمنان گفتی:

من علی فرزند حسین بن علی هستم ، و ما و خاندان خدا به
پیامبر نزدیکتریم.

شما را با نیزه می زنم تا این که خم شود و بر شما شمشیر را
فرود می آورم از پدرم حمایت می کنم.

ضربتی به سان زدن جوان هاشمی عرب سیرت فرود می آورم،
بخدا سوگند فرزند پدر ناشناخته، نمی تواند در باره ما فرمان براند.
تا این که مرگت فرا رسید و پروردگارت را دیدار کردی.



شهید شیر خوار

السَّلَامُ عَلَى «عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ» الطُّفْلِ الرَّضِيعِ ، الْمَرْمِيِّ الصَّرِيعِ
الْمُتَشَحِّطِ دَمًا الْمَصْعَدِ دَمُهُ فِي السَّمَاءِ ، الْمَذْبُوحِ بِالسَّهْمِ فِي حِجْرِ أَبِيهِ

لَعَنَ اللَّهُ رَامِيَهُ «حَزْمَلَةَ بْنِ كَاهِلِ الْأَسَدِيِّ» وَ ذَوِيهِ. ^(۱)

سلام بر «عبدالله بن الحسین»، کودک شیرخوار تیر خورده به زمین افتاده به خون غلتیده که خونش به آسمان بالا رفت و در آغوش پدرش به وسیله تیر ذبح شد. خداوند تیرانداز و پثرمرده کننده‌اش «حزمله بن کاهل اسدی» را لعنت کند.



منادی ولایت در کربلا

السَّلَامُ عَلَى «عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» مُبْلَى الْبَلَاءِ وَ الْمُنَادِي بِالْوِلَاةِ فِي عَرَضَةِ كَرْبَلَاءَ ، الْمَضْرُوبِ مُقْبِلًا وَ مُذْبِرًا . لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ «هَانِيَّ بْنَ ثُبَيْتِ الْحَضْرَمِيِّ» ^(۲).

سلام بر «عبدالله فرزند امیر مؤمنان»، گرفتار بلا و آزمایش و منادی ولایت و دوستی برادر و خاندانش در پهنه کربلا، که از همه طرف توسط دشمنان احاطه شد. خداوند قاتل او «هانی بن ثبیت حضرمی» را لعنت کند.

۱ - بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۷۰.

۲ - همان.



علمدار کربلا

السَّلَامُ عَلَى «الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» الْمُوَأْسِي أَخَاهُ بِنَفْسِهِ الْأَخِذِ
لِغَدِهِ مِنْ أُمِّهِ ، الْقَادِي لَهُ ، الْوَاقِي السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائِهِ ، الْمَقْطُوعَةِ يَدَاهُ ،
لَعَنَ اللَّهُ [قَاتِلَهُ يَزِيدُ بْنُ الرَّقَادِ الْحِثِّي] قَاتِلِيهِ «يَزِيدُ بْنُ وَقَادٍ» وَ «حَكِيمُ
بْنِ الطُّفَيْلِ الطَّائِي»^(۱).

سلام بر «عباس فرزند امیر مؤمنان» که با، جانش برادرش را
همیاری و کمک کرد و از امروزش برای فردایش، با خود پییمان
یاری امامش را بست. آن فداکننده خود برای امامش و نگاهبان او،
که با مشک آبش به سوی او شتافت و دودستش بریده شد. خداوند
قاتلانش «یزید بن وقاد» و «حکیم بن طفیل طائی» را لعنت کند.



پیشتان در ستیز

السَّلَامُ عَلَى «جَعْفَرِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» الصَّابِرِ [بِنَفْسِهِ] نَفْسِهِ

مُحْتَسِبًا، وَالتَّائِي عَنِ الْأَوْطَانِ مُغْتَرِبًا، الْمُسْتَسْلِمَ لِلْقِتَالِ الْمُسْتَقْدِمَ لِلنَّزَالِ،
الْمَكْثُورَ بِالرُّجَالِ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ «هَانِي بْنُ ثُبَيْتِ الْحَضْرَمِيِّ»^(۱)

سلام بر «جعفر فرزند امیر مؤمنان» که خویشستندار نفسش و حسابگر کردارش بود، و تنها از سرزمین خویش ترک وطن کرد و تسلیم جنگ شد و پیشتاز در ستیز بود و به خاطر زیادی دشمنان و مردمان حمله ور بر او، شکست خورد. خداوند قاتلش «هانی بن ثبیت حضرمی» را لعنت کند.



قاسم بن الحسن علیه السلام

السَّلَامُ عَلَى «الْقَاسِمِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ» الْمَضْرُوبِ هَامَتِهِ،
الْمَسْلُوبِ لَامَتِهِ حِينَ نَادَى الْحُسَيْنَ عَمَّةً فَجَلَّى عَلَيْهِ عَمَّةً كَالصَّبْرِ، وَهُوَ
يَفْحَصُ بِرِجْلِهِ [بِرِجْلَيْهِ] التُّرَابَ وَالْحُسَيْنُ يَقُولُ:
بَعْدًا لِقَوْمٍ قَتَلُوكَ، وَمَنْ خَضَمَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ جَدُّكَ وَأَبُوكَ
ثُمَّ قَالَ:

عَزَّوَاللَّهِ عَلَى عَمِّكَ أَنْ تَذْعُوهُ فَلَا يُجِيبُكَ أَوْ [أَنْ] يُجِيبَكَ وَأَنْتَ قَتِيلٌ
جَدِيلٌ فَلَا يَنْفَعُكَ هَذَا وَاللَّهِ يَوْمَ كَثُرَ وَاتْرُهُ، وَقُلُّ نَاصِرُهُ.

جَعَلَنِي اللَّهُ مَعَكُمْ يَوْمَ جَمْعِكُمْ، وَبَوَّأَنِي مَبَوَّأَكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ
«عُمَرُو [عُمَرَا] بْنِ سَعْدِ بْنِ [عُرْوَةَ بْنِ] نُفَيْلِ الْأَزْدِيِّ» وَأَصْلَاهُ جَحِيمًا،
وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا أَلِيمًا.^(۱)

سلام بر «قاسم فرزند حسن بن علی» باد آن که جثه‌اش ضربت
خورد و ابزار جنگش به تاراج رفت. هنگامی که عمویش
حسین علیه السلام را فراخواند، عمویش به سان عقاب تیز پرواز به سوی او
شتافت و مردم را از کنار او دور کرد و خود را بدو رسانید، در حالی
که قاسم پایش را (از شدت زخمها) به زمین می کشید و حسین علیه السلام
فرمود:

گروهی که ترا کشتند، در روز قیامت نیایت و پدرت با ایشان
دشمنی می کنند، خداوند از رحمت خویش دورشان کند.
سپس فرمود:

به خدا سوگند بر عمویت گران است تو او را بخوانی، ولی او تو
را جواب نگوید، یا به سوی تو آید و به تو رو کند در حالی که تو
کشته شده باشی و استخوان دست و پایت بریده شده باشد.
این شتافتن در روزی که ستم‌کنندگان زیاد شده و یاری‌کننده
اندک باشد، تو را سود نمی‌بخشد.

خداوند در روزی که شما را گردهم می آورد، مرا با شما قرار دهد. و مرا در سکونتگاه شما ساکن گرداند، و خداوند کشنده‌ات «عمر بن سعد بن نفیل ازدی» را لعنت کند و به دوزخ افکند و برایش عذابی دردناک آماده کند.



جایگاه تیرها و شمشیرها

السَّلَامُ عَلَى «عَوْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الطَّيَّارِ» فِي الْجَنَّةِ، حَلِيفِ الْإِيمَانِ، وَ مُنَازِلِ الْأَقْرَانِ، النَّاصِحِ لِلرَّحْمَنِ، الثَّالِي لِلْمَثَانِي وَالْقُرَّانِ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ «عَبْدَ اللَّهِ ابْنَ قُطَيْبَةَ النَّبْهَانِيِّ».^(۱)

سلام بر «عون فرزند عبدالله بن جعفر» پرواز کننده در بهشت، همراه و همگام ایمان، جایگاه تیرها و شمشیرها، نصیحت گر در راه (خدای) بخشنده، همتای مثانی و قرآن باد. خداوند قاتلش «عبدالله بن قطبه نبهانی» را لعنت کند.



مسلم بن عوسجة اسدی

السَّلَامُ عَلَى «مُسْلِمِ بْنِ عَوْسَجَةَ الْأَسَدِيِّ» الْقَائِلِ لِلْحُسَيْنِ وَ قَدْ أُذِنَ لَهُ فِي الْإِنْصِرَافِ:

أَنْحَنُ نُخَلِّي عَنْكَ وَ بِمِ نَعْتَذِرُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَذَاءِ حَقِّكَ، [و] لَا وَاللَّهِ حَتَّى أَكْسِرَ فِي صُدُورِهِمْ رُمَحِي وَ أَضْرِبَهُمْ بِسَيْفِي مَا ثَبَتَ قَائِمُهُ فِي يَدِي وَلَا أَفَارِقُكَ، وَ لَوْلَمْ يَكُنْ مَعِيَ سِلَاحٌ أَقَاتِلُهُمْ وَ لَقَدْ فَتَّهْتُهُمْ بِالْحِجَارَةِ ثُمَّ [و] لَمْ أَفَارِقُكَ حَتَّى أَمُوتَ مَعَكَ.

وَ كُنْتُ أَوَّلَ شَهِيدٍ مِنْ شَهَدَاءِ اللَّهِ قَضَى نَحْبَهُ، فَفُزْتُ وَ [ب] رَبُّ الْكَعْبَةِ شَكَرَ اللَّهَ [لَكَ] اسْتِقْدَامَكَ وَ مُوَاسَاتِكَ إِمَامَكَ إِذْ مَشَى إِلَيْكَ وَ أَنْتَ صَرِيحٌ فَقَالَ:

يَرْحَمُكَ اللَّهُ يَا مُسْلِمَ بْنَ عَوْسَجَةَ وَ قَرَأَ:

«فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا»^(١)

لَعَنَ اللَّهُ الْمُشْرِكِينَ فِي قَتْلِكَ «عَبْدَ اللَّهِ الضُّبَابِي» وَ «عَبْدَ اللَّهِ بْنَ خَشْكَاةَ الْبَجَلِيِّ»^(٢).

١ - احزاب، ٢٣.

٢ - بحار الانوار، ج ٩٨، ص ٢٧١ و ٢٧٢.

سلام بر «مسلم بن عوسجه اسدی»، که به حسین علیه السلام در حالی که حضرتش بدو در بازگشتن اجازه داد، عرض کرد:

آیا ما از تو روی برتابیم؟ برای خداوند در به جا نیاوردن حق تو چه بهانه‌ای بیاوریم؟ نه به خدا سوگند (روی برنتابم) تا این که نیزه‌ام را در سینه هایشان خرد کنم و تا آن گاه که شمشیر در دستم باشد آن را بر ایشان می‌کوبم و از تو جدا نمی‌شوم. اگر اسلحه‌ای نداشته باشم تا به وسیله آن با ایشان کارزار کنم، به آنها سنگ پرتاب می‌کنم. از تو جدا نمی‌شوم تا این که همراه تو بمیرم.

تو اولین کسی هستی که جانش را بفروخت و اولین شهید از شهیدان خداوندی که پیمان خویش را به انجام رساند.

به خدای کعبه رستگار شدی. خداوند به پایداریت و کمکت به امامت پاداش فراوان دهد، هنگامی که حضرتش به سوی تو آمد و تو بر زمین افتاده بودی، فرمود:

خداوند، تو را رحمت کند و این آیه را قرائت کرد:

و از ایشان کسانی هستند که پیمان خویش را به انجام رساندند و از ایشان گروهی است که چشم انتظارند و چیزی را به جای آن دگرگون نمی‌کنند.

خداوند شرکت کنندگان در کشتن «عبدالله ضبابی» و «عبدالله بن خشکاره بجلی» را لعنت کند.



تو را رها نمی‌کنیم

السَّلَامُ عَلَى «سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَنْفِيِّ» الْقَائِلِ لِلْحُسَيْنِ عليه السلام وَ قَدْ أُذِنَ لَهُ
فِي الْإِنْصِرَافِ:

[أَوَاللَّهِ] لَا تُخْلِكَ حَتَّى يَعْلَمَ اللَّهُ أَنَا قَدْ حَفَظْنَا غَيْبَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَبِكَ، وَاللَّهِ لَوْ أَعْلَمْتُ أَنِّي أُقْتَلُ ثُمَّ أُخِيَّائِمُ أُحْرَقُ ثُمَّ أُذْرَى
وَيُفْعَلُ [بِي ذَلِكَ] ذَلِكَ بِي سَبْعِينَ مَرَّةً مَا فَارَقْتُكَ حَتَّى أَلْقَى حِمَامِي
دُونَكَ، وَ كَيْفَ لَا أَفْعَلُ ذَلِكَ، وَ إِنَّمَا هِيَ مَوْتَةٌ وَاحِدَةٌ، ثُمَّ هِيَ الْكَرَامَةُ
الَّتِي لَا انْقِضَاءَ لَهَا أَبَدًا.

فَقَدْ لَقِيتَ حِمَامَكَ وَ وَاسَيْتَ إِمَامَكَ، وَ لَقِيتَ مِنَ اللَّهِ الْكَرَامَةَ فِي
دَارِ الْمَقَامَةِ، حَشَرْنَا اللَّهُ مَعَكُمْ فِي الْمُسْتَشْهِدِينَ، وَ رَزَقْنَا مُرَافَقَتَكُمْ فِي
أَعْلَى عِلِّيِّينَ.^(۱)

سلام بر «سعد بن عبدالله حنفی» که به حسین عليه السلام در هنگامی که
بدو در بازگشتن اجازه داد عرض کرد: تو را رها نمی‌کنیم تا این که
خداوند بداند در نبود رسول خدا صلی الله علیه و اله، تو را پاس

داشتیم. به خدا سوگند اگر بدانم کشته می‌شوم، سپس زنده می‌شوم، سپس به آتش سوزانیده می‌شوم، سپس در هوا پراکنده می‌شوم و این کار را با من هفتاد بار انجام می‌دهند، از تو دست نکشم تا این که مرگم فرا رسد. چرا این کار را نکنم در حالی که این یک بار مردن یا یک بار کشته شدن است و سپس کرامتی است که برای آن نهایتی نیست.

پس مرگ را دیدار کردی و امامت را یاری نمودی و در سرای همیشگی، از سوی خداوند کرامت دیدی. خداوند ما را در زمره شهادت خواهان با شما برانگیزد و دوستی و همراهی شما را در اعلیٰ علین روزی فرماید.



بشربن عمر حَضَرَمی

السَّلَامُ عَلَى «بِشْرِ بْنِ عُمَرَ الْحَضَرَمِيِّ» شَكَرَ اللَّهُ لَكَ قَوْلَكَ
لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ أَذِنَ لَكَ فِي الْإِنْصِرَافِ:
أَكَلْتَنِي إِذْ نُ السَّبَاعُ حَيًّا إِذَا [إِنْ] فَارَقْتِكَ وَأَسْأَلُ عَنْكَ الرُّكْبَانَ،
وَأَخَذْتُكَ مَعَ قِلَّةٍ الْأَعْوَانِ؟ لَا يَكُونُ هَذَا أَبَدًا.^(۱)

سلام بر «بشر بن عمر حضرمی»، خداوند به خاطر سختی که به حسین علیه السلام (گفتی) پاداش فراوان ارزانی فرماید، در حالی که به بازگشتن اجازه داده بود، عرض کردی:

اگر از تو روی برتابم، حیوانان درنده مرا زنده زنده بخورند. من از تو سواره دور شوم و تو را با کمی یاوران، خوار نمایم؟ این کار ابداً نخواهد شد.



زهیر بن قین بجلی

السَّلَامُ عَلَى «زُهَيْرِ بْنِ الْقَيْنِ الْبَجَلِيِّ» الْقَائِلِ لِلْحُسَيْنِ علیه السلام وَ قَدْ أُذِنَ لَهُ فِي الْإِنْصِرَافِ:

لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ ذَلِكَ أَبَدًا عَاتِرُكَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَسِيرًا فِي يَدِ الْأَعْدَاءِ وَ أَنْجَوَانَا؟ لَا أَرَانِي اللَّهَ ذَلِكَ الْيَوْمَ. ^(۱)

سلام بر «زهیر بن قین بجلی» که به حسین علیه السلام در حالی که به بازگشتن اجازه داده بود، عرض کرد:

به خدا سوگند این کار نخواهد شد. آیا فرزند رسول خدا را که گرفتار و اسیر در دست دشمنان رها کنم و رهایی یابم؟ خداوند این روز را نیاورد.



سلام بر بهترین یاران

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خَيْرَ أَنْصَارٍ . السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، بَوَّأَكُمْ اللَّهُ مَبُوءَ الْأَبْرَارِ، أَشْهَدُ لَقَدْ كَشَفَ اللَّهُ لَكُمْ الْغِطَاءَ، وَ مَهَّدَ لَكُمْ الْوِطَاءَ وَ أَجْزَلَ لَكُمْ الْغِطَاءَ، وَ كُنْتُمْ عَنِ الْحَقِّ غَيْرَ بَاطِلٍ وَ أَنْتُمْ لَنَا قُرْطُ [قُرْطَاءَ]، وَ نَحْنُ لَكُمْ خُلَطَاءُ فِي دَارِ الْبَقَاءِ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. (۱)

سلام بر شما ای بهترین یاران، سلام بر شما که شکیبایی ورزیدید. چه جایگاه و خانه نیکویی در آینده دارید. خدا شما را در جایگاه نیکان سکنا دهد، شهادت می‌دهم خداوند پرده را از برابر دیدگان شما برداشته و برایتان فرش و بستر گسترده. و عطا و بخشش فراوان داده است. شما از حق روی برنگردانید و بر ما پیش افتادید. از خدا می‌خواهیم در سرای همیشگی، همنشین و همراه شما باشیم. سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.



سلام بر حسین

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ سَمِحتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَطَاعَ
 اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ جَعَلَ اللَّهَ الشُّفَاءَ فِي تَرْبِيَتِهِ،
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْإِجَابَةُ تَحْتَ قُبَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْأَئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ. (۱)
 سلام بر حسین، کسی که خون جانش را ارزانی داشت، سلام بر
 کسی که در پنهان و آشکار، خداوند را فرمان برد، سلام بر کسی که
 خداوند در خاکش شفا قرار داد، سلام بر کسی که اجابت دعا در
 زیر گنبدش می‌باشد. سلام بر کسی که امامان از فرزندان و ذریه او
 هستند.



سلام بر فرزند فاطمه زهرا علیها السلام

السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ،
 السَّلَامُ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ

عَلَى ابْنِ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ
زَمْزَمَ وَ صَفَا. (۱)

سلام بر فرزند خاتم پیامبران، سلام بر فرزند سید جانشینان،
سلام بر فرزند فاطمه زهرا، سلام بر فرزند خدیجه کبری، سلام بر
فرزند سدره‌المنتهی، سلام بر فرزند جنت‌المأوی (باغهای
پناهگاه)، سلام بر فرزند زمزم و صفا.



سلام بر آغشته به خون

السَّلَامُ عَلَى الْمَرْمَلِ بِالدِّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخَبَاءِ،
السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ، السَّلَامُ عَلَى غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ، السَّلَامُ
عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْأَدْعِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ
كَرْبَلَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتُهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ ذُرِّيَّتُهُ
الْأَزْكَيَاءُ. (۲)

سلام بر آغشته به خون، سلام بر کسی که خیمه‌اش دریده شد،
سلام بر پنجمین اهل کسا (ساکنان زیر بُردیمانی)، سلام بر غریب

۱ - بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۱۸.

۲ - همان.

غریبان، سلام بر شهید شهیدان، سلام بر کشته به دست پسر
خواندگان مشکوک نسلان، سلام بر سکونت یافته کربلا، سلام بر
کسی که فرشتگان آسمان بر او گریستند، سلام بر کسی که
فرزندانش پاک شده گانند.



سلام بر لبهای خشکیده

السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَى مَنَازِلِ الْبَرَاهِينِ، السَّلَامُ
عَلَى الْأَيْمَةِ السَّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْجُيُوبِ الْمُضَرَّجَاتِ، السَّلَامُ عَلَى
الشُّفَاهِ الذَّابِلَاتِ [الزَّابِلَاتِ]، السَّلَامُ عَلَى النُّفُوسِ الْمُضْطَلَمَاتِ، السَّلَامُ
عَلَى الْأَزْوَاحِ الْمُخْتَلَسَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَادِ الْعَارِيَاتِ، السَّلَامُ عَلَى
الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الدِّمَاءِ السَّائِلَاتِ السَّلَامُ عَلَى الْأَعْضَاءِ
الْمُقَطَّعَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُشَالَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النُّسُوءِ
الْبَارِزَاتِ.^(۱)

سلام بر پادشاه و امیر آیین، سلام بر محل فرود آمدن برهانها،
سلام بر امام سادات، سلام بر قلبها و سینه‌های به خون آلوده، سلام

بر لب‌های خشکیده، سلام بر جان‌های از بدن رفته، سلام بر
روح‌های ربوده شده، سلام بر پیکرهای عریان، سلام بر جسم‌های
لاغر رنگ باخته، سلام بر خون‌های جاری شده، سلام بر عضوهای
بریده شده، سلام بر سرهای برافراشته شده، سلام بر زنان سربرهنه
شده.



سلام بر کشته‌مظلوم

السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آبَائِكَ
الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَوْلَادِكَ الْمُسْتَشْهِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ
عَلَى ذُرِّيَّتِكَ النَّاصِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُضْاجِعِينَ،
السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ، السَّلَامُ عَلَى أَخِيهِ الْمَسْمُومِ، السَّلَامُ عَلَى
عَلِيِّ الْكَبِيرِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّضِيِّعِ الصَّغِيرِ.^(۱)

سلام بر حجت و گواه پروردگار جهانیان، سلام بر تو و بر پدران
پاکیزه‌ات، سلام بر تو و بر پسران شهادت‌پذیرت، سلام بر تو و بر
فرزندان و ذریه یاری‌کنندگان‌ات، سلام بر تو و بر فرشتگان ملازم

و همراه آرمگاهت. سلام بر کشته شده مظلوم، سلام بر برادر مسموم اش، سلام بر علی بزرگ، سلام بر شیر خوار کوچک.



سلام بر بدنهای غارت شده

السَّلَامُ عَلَى الْأَبْدَانِ السَّلْبِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَى الْعِثْرَةِ الْقَرِيبَةِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُجَدِّلِينَ فِي الْقَلَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النَّازِحِينَ عَنِ الْأَوْطَانِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بِلَا أَكْفَانِ، السَّلَامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمَفْرَقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلَانَاصِرٍ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ التُّرْبَةِ الزَّاكِيَةِ، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْقَبَةِ السَّامِيَةِ.^(۱)

سلام بر بدنهای غارت شده، سلام بر عترت و خاندان نزدیک و خویشاوند، سلام بر جهاد کنندگان در بیابانهای پهناور. سلام بر دور افتادگان از سرزمین خویش، سلام بر دفن شدگان بدون کفن، سلام بر سرهای جدا شده از بدن، سلام بر محتسب شکيبا، سلام بر مظلوم بدون یاور، سلام بر سکنای گزیده در خاک پاکیزه، سلام بر صاحب گنبد رفیع.



سلام بر سر بریده

السَّلَامُ عَلَى مَنْ طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَخَرَ بِهِ جَبْرَائِيلُ،
السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَاغَاةً فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ نُكِثَتْ
[نُكِثَتْ] ذِمَّتُهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ هُتِكَتْ حُرْمَتُهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ أُرِيقَ
بِالظُّلَمِ دَمُهُ، السَّلَامُ عَلَى الْمُغْسَلِ بِدَمِ الْجُرَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُجَرَّعِ
بِكَأْسَاتِ الرِّمَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُضَامِ الْمُسْتَبَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُنْحُورِ
فِي الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَى مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى.^(۱)

سلام بر کسی که خداوند جلیل پاکیزه‌اش فرمود، سلام بر کسی
که جبرئیل بدو مباحات کرد، سلام بر کسی که میکائیل در گهواره با
او سخن گفت، سلام بر کسی که پیمانش شکسته شد، سلام بر
کسی که حرمتش گسسته شد، سلام بر کسی که خونش به ظلم
ریخته شد، سلام بر کسی که به خون زخمها غسل داده شد، سلام
بر کسی که به جامهای تیره آب داده شد، سلام بر - کسی که - ستم بر
او جایز شمرده شد، سلام بر سر بریده شده در میهمانی [در کنار
نهر]، سلام بر کسی که ساکنان قریه‌ها او را دفن کردند.



سلام برگونه و رخسار خاک آلود

السَّلَامُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُحَامِي بِلَامُعِينِ، السَّلَامُ
عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ الثَّرِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ
السَّلِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ
الْمَرْفُوعِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَامِ الْغَارِيَةِ فِي الْفَلَوَاتِ، تَنْهَشُهَا الذُّنَابُ
الْعَادِيَاتُ، وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ الضَّارِيَاتُ.^(۱)

سلام بر - کسی که - شاهرگش بریده شد، سلام بر مدافع بدون
یاور کمک کننده، سلام بر سپید موی محاسن خضاب کرده، سلام
بر گونه و رخسار خاک آلود، سلام بر بدن غارت شده برهنه، سلام
بر کسی که دندانهای پیشینش توسط چوب خیزران، به هم کوبیده
شد، سلام بر سر افراشته شده، سلام بر جسمهای عریان در
بیابانهای پهناور که گرگان درنده گازشان می‌گیرند و درندگان مزه
خون و گوشت را می‌چشند و به گردشان می‌گردند.



سلام بر تو ای آقای من

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوَلَّايَ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمَرْفُوفِينَ حَوْلَ قُبَّتِكَ،
الْحَافِينَ بِتَرْبَتِكَ، الطَّائِفِينَ بِعَرْصَتِكَ، الْوَارِدِينَ لِزِيَارَتِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ وَ رَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ. (۱)

سلام بر تو ای آقای من و بر فرشتگان بال گشوده که خواستار
فرود در اطراف گنبد تو هستند، فرشتگانی که به تربت و طواف
کنندگان صحن و سرایت و وارد شوندگان برای زیارتت، بسیار
احترام می‌کنند. سلام بر تو، قصد تو کرده‌ام و آرزومند رستگاری
نزد توام.



سلام بر تو... سلام دردمند گرفته و محزون

السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامُ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ، الْمُخْلِصِ فِي وِلَايَتِكَ،
الْمُتَّقِرِبِ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ، الْبَرِيِّ مِنْ أَعْدَائِكَ سَلَامٌ مَنْ قَلْبُهُ بِمُضَابِكَ

مَقْرُوحٌ، وَ دَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ [مَصْفُوحٌ]، سَلَامٌ أَلْمَفْجُوعِ الْحَزِينِ
[الْمَحْزُونِ] الْوَالِهِ الْمُسْتَكِينِ، سَلَامٌ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطَّفُّوفِ لَوَقَاكَ
بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ، وَبَذَلَ حُشَاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحُتُوفِ، وَجَاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ،
وَنَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ، وَفَدَاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ،
وَرُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً، وَأَهْلَهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً.^(۱)

سلام بر تو، سلام آشنای به حرمت و مقامت، سلام خالص در
ولایت و دوستی‌ات، سلام نزدیکی جوینده به خداوند به وسیله
محبتت، سلام دوری جوینده از دشمنانت، سلام کسی که قلبش به
مصیبت و سختی تو زخمی و مجروح است، و اشکش در هنگام
یاد تو ریزان، سلام دردمند گرفته و محزون و شیدای فروتن، سلام
کسی که اگر با تو در کربلا می‌بود، تو را با جانش از تیز شمشیرها
نگاه می‌داشت، و باقی مانده عمرش را برای تو در معرض مرگ
می‌انداخت، و در پیش رویت کارزار می‌کرد و تو را در برابر آنانی
که بر تو هجوم آورده و شوریدند، یاری می‌کرد و روح و جسد و
مال و فرزندش را فدای تو می‌نمود و روحش فدای روح و
خانواده‌اش نگاهدار و مدافع خانواده‌ات بود.



به جای اشک برایت خون می‌گیریم

فَلَيْتَ أَخَّرْتَنِي الدُّهُورَ، وَعَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمُقَدُّورُ، وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ
حَارَبَكَ مُحَارِبًا، وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا، فَلَا تُدْبِنَكَ صَبَاحًا
وَمَسَاءً، وَلَا بُكَيْنٌ لَكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا، حُسْرَةً عَلَيْكَ، وَتَأْسُفًا عَلَى
مَادَهَاكَ، وَتَلَهُّفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُضَابِ، وَغَضَّةِ الْإِكْتِيَابِ.^(۱)

پس اگر روزگار (ولادت) مرا به تأخیر انداخت و مقدرات مرا از
یاریت دور کرد، و با کسانی که با تو کارزار کردند، کارزار نکردم و با
کسانی که با تو دشمنی کردند نستیزیدم، پس صبح و شام برایت
ناله می‌کنم و به جای اشک برایت خون می‌گیریم، به خاطر حسرت
بر تو و اندوه و تاسف بر آنچه تو را گرفتار کرد و شعله‌ور در سوز و
گدازم تا اینکه از بیقراری سختی‌ها و مصیبت‌ها و غصه
اندوه‌گینی بمیرم.



امر به معروف و نهی از منکر نمودی

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ [الصَّلَاةُ] وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوَانِ وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَمَا عَصَيْتَهُ،
وَتَمَسَّكَتَ بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَأَرْضَيْتَهُ وَخَشَيْتَهُ وَرَاقَبْتَهُ وَاسْتَجَبْتَهُ [اسْتَجَبْتَهُ]
وَسَنَّتَ السُّنَنَ، وَأَطَقْتَ الْفِتْنَ، وَدَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ
السَّدَادِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ.^(۱)

شهادت می‌دهم نماز را به پا داشتی و زکات را پرداختی و به
نیکی فرمان دادی و از بدی و ستمکاری بازداشتی و خداوند را
فرمان بردی و از او سرپیچی نکردی و به او و ریسمانش چنگ
آزیدی، در نتیجه از او خشنود شدی و از خداوند ترسیدی و او را
در نظر گرفتی و او را لیبیک گفتی و به روشهایش سلوک نمودی، و
آشوبها را فرونشاندی، و به سوی رشد و هدایت خواندی و راههای
استواری را آشکار کردی و در راه خداوند آن گونه که سزوار بود،
جهاد کردی.



به حجتها و دلیلهای خداوند قیام کردی

وَ كُنْتَ لِلَّهِ طَائِعاً، وَلِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَابِعاً، وَلِقَوْلِ
أَبِيكَ سَامِعاً، وَآلِي وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسَارِعاً، وَلِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعاً، وَلِلطُّغْيَانِ
قَامِعاً، وَلِلطُّغَاةِ [لِلطُّغَاتِ] مُقَارِعاً، وَلِلْأُمَّةِ نَاصِحاً، وَفِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ
سَابِحاً، وَلِلْفُسَاقِ مُكَافِحاً، وَبِحُجَجِ اللَّهِ قَائِماً، وَلِلْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ
[لِلْمُسْلِمِينَ] رَاحِماً، وَلِلْحَقِّ نَاصِراً، وَعِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِراً، وَلِلدِّينِ كَالِثاً،
وَعَنْ حَوْزِيهِ مُرَامِياً.^(۱)

و تو فرمانبردار خداوند بودی و پیرو جدّت محمد صلی الله
علیه و آله، و شنوای سخن پدرت بودی و برای اجرای وصیت و
سفارش برادرت شتابگر و کوشا بودی، و پایه‌های دین را بلند
کردی و سرکشی و طغیان را درهم کوبیدی و آشوبگران و
طغیانگران را سخت کوبیدی و برای امت نصیحتگر و در لحظات
مرگ ستایشگر و تسبیح کننده بودی و با گناهکاران هرزه درگیر
شدی و به حجتها و دلیلهای خداوند قیام کردی و برای اسلام و

مسلمانان رحم کننده و برای حق یاور بودی و در هنگام بلا و گرفتاری شکیبایی ورزیدی و برای دین نگهبان، و از محدوده آیین دفاع کننده بودی.



باران بهاری یتیمان

تَحُوطُ الْهُدَى وَ تَنْصُرُهُ، وَ تَبْسُطُ الْعَدْلَ وَ تَنْشُرُهُ، وَ تَنْصُرُ الدِّينَ وَ تُظْهِرُهُ وَ تَكْفُ الْعَايَةَ وَ تَرْجُرُهُ، وَ تَأْخُذُ لِلدَّيْنِ مِنَ الشَّرِيفِ، وَ تُسَاوِي فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعِيفِ، كُنْتَ رَبِيعَ الْأَيْتَامِ، وَ عِصْمَةَ الْأَنَامِ، وَ عِزُّ الْإِسْلَامِ، وَ مَعْدِنُ الْأَحْكَامِ، وَ حَلِيفَ الْأَنْعَامِ، سَالِكاً طَرَائِقَ جَدِّكَ وَ أَبِيكَ، مُشَبِّهاً فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ.^(۱)

هدایت را نگاهداشتی و یاریش کردی و عدل و داد را گستریدی و آنرا پراکنده ساختی و آئین را یاری کردی و آشکارش ساختی، و کسی را که دین را بازیچه شمرده بود بازش داشتی و او را راندی و حق پست را از شریف باز ستاندی، و در حکم میان توانا و ضعیف مساوات قراردادی و تو باران بهاری یتیمان و بی پدران بودی و

بازدارنده مردمان (از بدی) و عزت اسلام و گنجینه احکام و هم
پیمان نیکویی، رهرو نیایت و پدرت و در وصیت شبیه برادرت
هستی.



نماز شب گزار در تاریکیها

وَفِي الذُّمِّ، رَضِيَ الشَّيْمِ، ظَاهِرَ الْكَرَمِ، مُتَهَجِّدًا فِي الظُّلَمِ، قَوِيمَ
الطَّرَائِقِ، كَرِيمَ الْخَلَائِقِ، عَظِيمَ السَّوَابِقِ، شَرِيفَ النَّسَبِ، مُنِيفَ الْحَسَبِ،
رَفِيعَ الرُّتَبِ كَثِيرَ الْمَنَاقِبِ، مَحْمُودَ الضَّرَائِبِ، جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ، حَلِيمَ
رَشِيدَ مُنِيبٍ، جَوَادَ عَلِيمٍ شَدِيدٍ، إِمَامَ شَهِيدٍ، أَوَاةَ مُنِيبٍ، حَبِيبَ مُهَيَّبٍ.^(۱)
وفا کننده امانتها، دوستدار خویهای نیکو، گرمهای آشکار، نماز
شب گزار در تاریکی‌ها، برپا کننده روشها، بخشنده مخلوقات،
بزرگ پیشینیان، نیکو نسب، با حسب فراوان، با رتبه‌های بلند، با
مناقب فراوان، با سرشتهای ستوده، با موهبت‌های بسیار، بردبار و
رشید و بازگشت کننده به سوی خدا و سخی و دانا و قدرتمند و
پیشوای شهید و آموزشگر و انابه کننده و دوست دارنده ترسان
هستی.



صاحب رکوع و سجود طولانی

كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَدًا، وَاللَّقْرَانِ مَنْقَدًا [سَدًّا] وَلِلْأُمَّةِ
عَضُدًا، وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا، حَافِظًا لِلْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ، نَاكِبًا عَنْ سُبُلِ
الْفُسَاقِ، وَبَازِلًا [بَازِلًا] لِلْمَجْهُودِ، طَوِيلَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ.^(۱)

برای رسول صلی الله علیه و آله فرزند بودی و برای قرآن سند و
برای امت بازو، و در فرمانبری کوشا، نگاهبان عهد و پیمان، کناره
گیر از راههای گناهکاران و هرزگان، عطا کننده و بخشنده به
مسکین به سختی افتاده و دارای رکوع و سجده‌های طولانی بودی.



زاهد در دنیا

زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا، نَاطِرًا إِلَيْهَا بِعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ
مِنْهَا، أَمَالِكَ عَنْهَا مَكْفُوفَةً، وَهَمَّتُكَ عَنْ زِيَّتِهَا مَضْرُوفَةً، وَالْحَاطُكَ

[امحاطك] عَنْ بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَةٌ وَرَغْبَتُكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ.^(۱)

کناره گیر در دنیا (چون) کناره گیر کوچ کننده از آن، نگرنده به دنیا به دیده ترسندگان از آن، آرزوهایت از دنیا بازداشته شده، همت و تلاشت از آرایشهایش برگرفته شده، چشمت از شادمانی دنیا پوشیده و اشتیاق در مورد آخرت شناخته شده و مشهور است.



حقیقت را به روشنی و درستی آشکار کردی

حَتَّى إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ، وَأَسْفَرَ الظُّلُمَ قِنَاعَهُ، وَدَعَا [دَعَى] الْغَيِّ
أَتْبَاعَهُ، وَأَنْتَ فِي حَرَمِ جَدِّكَ قَاطِنٌ. وَلِلظَّالِمِينَ مُبَايِنٌ، جَلِيسُ الْبَيْتِ
وَالْمِخْرَابِ، مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ، تُنَكِّرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ،
عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ وَإِمْكَانِكَ، ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ، وَلَزِمَكَ أَنْ
تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ، فَسِرْتَ فِي أَوْلَادِكَ وَأَهَالِكَ، وَشِيعَتِكَ وَمَوَالِكَ،
وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ، وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
وَأَمَرْتَ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ، وَالطَّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْخَبَائِثِ

وَالطُّغْيَانِ، وَوَأَجْهَوَكَ بِالظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ^(۱)

تا آن هنگام که بیداد دستش را از آستین برون کرد و ستم اسلحه‌اش را آشکار کرد و گمراهی پیروانش را فراخواند، در حالی که تو در حرم جدّت ساکن بودی و از ستمگران دوری گزیده و خانه و محراب نشسته، گریزنده از لذتها و شهوتها بودی، زشتی را با قلب و زیانت به مقدار توان و امکانت زشت می‌شمردی، سپس موقعیت ایجاب کرد پرچم انکار و مخالفت برداری و تو را بر آن داشت که با عیاشان و هرزگان کارزار کنی، پس با فرزندان و خاندان و پیروان و دوستان به راه افتادی و حقیقت را به روشنی و درست‌نوی آشکار کردی، و به سوی خداوند - با حکمت و پند و اندرز نیکو فراخواندی، و به برپا داشتن حدود و فرمان بری از معبود امر کردی، و از پلیدی و طغیان و سرکشی بازداشتی، ولی با تو به ستم و دشمنی برخورد کردند.



کارزار با ذوالفقار به سان علی علیه السلام

فَجَاهِدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِيغَارِ لَهُمْ [الْإِيغَارُ إِلَيْهِمْ] وَتَأْكِيدِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ،

فَنَكثُوا ذِمَامَكَ وَبَيْعَتَكَ وَأَسْخَطُوا رَبَّكَ وَجَدَّكَ، وَبَدَّؤُوكَ بِالْحَرْبِ، فَثَبَّتَ
لِلطُّغْنِ وَالضَّرْبِ، وَطَحَّتْ جُنُودَ الْفُجَارِ، وَاقْتَحَمَتْ قَسَطَلَ الْغُبَارِ،
مُجَالِدًا بِذِي الْفَقَارِ، كَأَنَّكَ عَلِيٌّ الْمُخْتَارُ.^(۱)

پس با ایشان کارزار کردی پس از آنکه آنان را به انجام کار
فراخواندی و حجت و دلیل را برایشان آشکار نمودی، پس امان و
بیعت ترا شکستند و پروردگار و نیایت را خشمگین کردند و جنگ
را با تو آغاز نمودند، پس بر زخم زبانها و ضربه‌ها ایستادگی کردی،
و لشکریان ستمگر هرزگان را درهم کوبیدی، در گرد و غبار
برخاسته در میدان جنگ وارد شدی، در حالی که با ذوالفقار کارزار
می‌کردی، به سان آن که حضرت علی مختار بودی.



شگفتی فرشتگان از صبر حسین علیه السلام

فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابِتَ الْجَاشِ، غَيْرَ خَائِفٍ وَلَا خَاشٍ، نَصَبُوا لَكَ غَوَائِلَ
مَكْرِهِمْ وَقَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ، وَأَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ، فَمَنَعُوكَ الْمَاءَ

وَوُرُودَهُ، وَنَاجَزُوكَ الْقِتَالَ، وَعَاجِلُوكَ النَّزَالَ، وَرَشَقُوكَ بِالسُّهَامِ وَالنَّبَالِ،
وَبَسَطُوا إِلَيْكَ أَكْفَ الْأَصْطِلَامِ، وَلَمْ يَرْعَوْا لَكَ ذِمَامًا، وَلَا رَاقِبُوا [راغبوا]
فِيكَ أَثَامًا، فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ، وَنَهْبِهِمْ رِحَالَكَ، وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَوَاتِ،
وَمُخْتَمِلٌ لِلْأَذْيَاتِ، قَدْ عَجِبْتَ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ.^(۱)

چون تو را پایدار - نه گریزپا و نترس و شریف دیدند،
شرارتهای فربهایشان را پیش آوردند و با حيله و بدی خود با تو
جنگیدند و آن نفرین شده، لشگریانش را فرمان داد، پس تو را از
آب و وارد شدن در آن باز داشتند و تو را به جنگ کشاندند، و در
جنگ از شترها پیاده شده، بر اسبها نشستند و بر تو شتافتند و با تیر
و سنگ زدند، و دستها را برای از میان برداشتن و نابود کردن تو
گشودند و احترام تو را حفظ نکردند و از جزای گناه خویش در
حق تو، در کشتن فرزندان و تاراج بردن نترسیدند، در حالی که
تو پیشتاز در گرد و غبار و تحمل کننده آزارها و اذیتها بودی،
فرشتگان آسمان از صبر و شکیبایی تو به شگفتی افتادند.



زخمهای کاری

فَأَخَذُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ، وَأَثَخْنُوكَ بِالْجَرَاحِ، وَحَالُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ
الرَّوَّاحِ، وَلَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ، وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ صَابِرٌ، تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ
وَأَوْلَادِكَ حَتَّى نَكْسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ [جَوَارِكَ]، فَهَوَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ
جَرِيحاً، تَطْوُوكَ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا أَوْ [و] تَعْلُوكَ الطُّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا.^(۱)

پس از هر سو دور تو را گرفتند و زخمهای کاری بر تو زدند و
نگذاشتند کارت تا شب به طول کشد، در حالی که برای تو یآوری
نمانده و تو محتسب شکیباً بودی و از زنان و فرزندان دفاع
می‌کردی تا این که تو را از اسب انداختند، پس تو زخمی بر زمین
افتادی، اسبها با سمهایشان بر تو تازیدند و ستمگران و سرکشان
شمشیرهای بُرانشان را بر تو فرود آوردند.



آماده شهادت

قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ، وَاخْتَلَفْتَ بِالْإِنْقِبَاضِ وَالْإِنْبِطَاطِ شِمَائِكَ
وَيَمِينُكَ تُدِيرُ طَرْفًا خَفِيًّا إِلَى رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ، وَقَدْ شُغِلْتَ بِنَفْسِكَ عَنْ
وَلَدِكَ وَأَهَالِكَ وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِدًا، إِلَى خِيَامِكَ قَاصِدًا، مُحَمِّمًا
بَاكِيًا.^(۱)

پیشانی‌ت برای شهادت عرق کرده بود، و به راست و چپ کشیده
می‌شدی و به خود می‌پیچیدی، گوشه چشم‌ت را به سوی خاندانت
گرداندی و از فکر فرزندان و خاندانت، به خود مشغول شدی، و
اسب‌ت گریزان به سوی خیمه‌هایت شتافت، در حالی که شیعه
می‌کرد و گریان بود.



اهل حرم شتابان به سوی قتلگاه

فَلَمَّا رَأَيْنَ النِّسَاءَ جَوَادَكَ مُخْزِبًا، وَنَظَرْنَ [نَظَرَتْ] سَرْجَكَ عَلَيْهِ

مَلُویَا، بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ، نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ، عَلَی الْخُدُودِ لِأَطِمَاتِ
الْوُجُوهِ سَافِرَاتِ، [و] بِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتِ وَبَعْدَ الْعِزِّ مُذَلَّلَاتِ، وَإِلَى
مَضْرَعِكَ مُبَادِرَاتِ.^(۱)

هنگامی که زنان، اسبت را شرمسار دیدند و بر روی زین
برگشته‌ات نگاه کردند، از سراپرده‌ها برون آمدند، (با) موهای
پیشان و بر گونه‌ها سیلی می‌زدند ولی چهره‌ها به تمامی باز نشد،
و شیون می‌کردند و ناله می‌زدند، در حالی که پس از عزت و شکوه،
خوار و ذلیل شده و به سوی قتلگاهت شتابنده بودند.



سر عزیز زهرا علیها السلام بر روی نیزه

وَالشُّمْرُ جَالِسٌ عَلَی صَدْرِكَ، وَمَوْلُغٌ [مولع] سَیْفُهُ عَلَی نَحْرِكَ،
قَابِضٌ عَلَی شَبَّيْتِكَ بَیْدِهِ، ذَابِیحٌ لَكَ بِمَهْنَدِهِ، قَدْ سَكَنْتَ حَوَاسُكَ، وَخَفِیْتَ
أَنْفَاسُكَ، وَرَفَعَ عَلَی الْقَنَاةِ [القنا] رَأْسُكَ، وَسَبَّی أَهْلَكَ كَالْعَبِيدِ، وَصَفَّدُوا
فِی الْحَدِيدِ، فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطْبِیَاتِ، تَلْفَحُ وَجُوهَهُمْ حَرُّ الْهَاجِرَاتِ،

يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِي وَالْفَلَوَاتِ، أَيْدِيهِمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ يُطَافُ بِهِمْ
فِي الْأَسْوَاقِ. (۱)

و شمر بر روی سینه‌ات نشسته بود. شمشیرش را بر گودی زیر
گلوی تو فرو برده و گیرنده محاسنت با دستش بود و سر تو را با
شمشیرش می‌برید. در آن حال آرامش داشتی و نفس‌هایت آرام
شده بود. و سرت بر نیزه بلند شد و خانواده‌ات چون بندگان اسیر
شدند و در آه‌ها غل و زنجیر گردیدند، بالای پالان‌های چهار پایان
چهره‌هایشان از گرمای ظهر تابستان می‌سوخت و در بیابانها و
دشتهای پهناور پیش برده می‌شدند دستهایشان به گردنهایشان
آویخته در بازارها گردانیده می‌شدند.



با کشتن تو اسلام را کشتند

فَالْوَيْلُ لِلْعَصَاةِ الْفُسَّاقِ، لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ، وَعَطَّلُوا الصَّلَاةَ
وَالصِّيَامَ وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالْأَحْكَامَ، وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ، وَحَرَّفُوا

آيَاتِ الْقُرْآنِ، وَهَمَلَجُوا [هَمَجَلُوا] فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ.^(۱)

پس وای بر سرکشان هرزه گنهکار، با کشتن تو اسلام را کشتند و نماز و روزه را بیهوده و مهمل گذاشتند و سنتها و احکام را نقض نمودند، و پایه‌های ایمان را نابود کردند و آیات قرآن را تحریف نمودند و در فساد و دشمنی سخت پیش رفتند.



کتاب خدا رها شد

لَقَدْ أَضْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْثُورًا، وَعَادَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَهْجُورًا وَغُودِرَ الْحَقُّ إِذْ قَهَرْتَ مَقْهُورًا، وَفَقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّحْلِيلُ، وَالتَّحْرِيمُ وَالتَّحْلِيلُ وَالتَّزْيِيلُ وَالتَّأْوِيلُ، وَظَهَرَ بِعَدَاكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ، وَالْإِلْحَادُ وَالتَّغْطِيلُ، وَالْأَهْوَاءُ وَالْأَضَالِيلُ، وَالْفِتْنُ وَالْأَبْطِيلُ.^(۲)

انتقام خون کشته رسول خدا صلی الله علیه و اله گرفته نشد و کتاب خداوند عزوجل رها شد، و به حق خیانت شد، آن گاه که تو مغلوب گردیدی، و با نابودی ات الله اکبر و لا اله الا الله و تحریم و

۱ - بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۲.

۲ - بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۲ و ۳۲۳.

تحلیل و تنزیل و تأویل از میان رفت. پس از تو تغییر و تبدیل و بی‌دینی و کفر و خواستهای نفسانی و گمراهی‌ها و آشوبها و بیهودگی‌ها و باطلها آشکار گردید.



پیامبر ﷺ و زهرا علیها السلام گریان و سوگوار

فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَنَعَاكَ إِلَيْهِ
بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ قَائِلًا:

يَا رَسُولَ اللَّهِ قُتِلَ سِبْطُكَ وَفَتَاكَ، وَاسْتَبِيحَ أَهْلُكَ وَحُمَاكَ،
وَسَبَّيْتُ بَعْدَكَ ذُرَارِيكَ، وَوَقَعَ الْمَحْذُورُ بِعِثْرَتِكَ وَذَوِيكَ.
فَانْزَعَجَ الرَّسُولُ، وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهْهُولُ، وَعَزَّاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ،
وَفُجِعَتْ بِكَ أُمُّكَ الزَّهْرَاءُ. (۱)

خبر دهنده مرگت در کنار قبر جدت رسول صلی الله علیه و اله
به پاخواست و با اشک ریزان خبر مرگ تو را به حضرتش داد. در
حالی که می‌گفت:

ای رسول خدا، فرزندات و جوانت کشته شد، خانواده‌ات و
نزدیکانت بیچاره شدند و فرزندان تو پس از تو اسیر شدند

و خانواده‌ات و افرادت در گرفتاری و بازداشت افتادند.
 پیامبر آشفته خاطر شد و قلب گریانش بگریست، و به خاطر تو
 فرشتگان و پیامبران به او سر سلامتی دادند و مادرت زهرا سوگوار
 و مصیبت زده شد.



عزا و ماتم در اعلیٰ علیین

وَ اخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ تُعْزِي أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَقِيَمَتْ
 لَكَ الْمَنَاتِمُ فِي أَعْلَاءِ عَلِيَّيْنِ، وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ، وَبَكَتِ السَّمَاءُ
 وَسُكَّانُهَا وَالْجِنَانُ وَخُزَّائِنُهَا، وَالْهَضَابُ وَأَقْطَارُهَا، وَالْبِحَارُ وَحِثَانُهَا
 [وَمَكَّةُ وَبُنْيَانُهَا]، وَالْجِنَانُ وَوِلْدَانُهَا وَالْبَيْتُ وَالْمَقَامُ، وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ
 [الْمَشْعَرُ وَالْحَرَمُ]، وَالْحِلُّ وَالْإِحْرَامُ.^(۱)

فرشتگان مقرب برای سوگواری و تسلیت گفتن به پدرت
 امیرمؤمنان آمدند، و برای تو در اعلیٰ علیین عزا و ماتم برپا شد، و
 به خاطر تو حورالعین بر خود سیلی زدند و آسمان و ساکنانش و

بهشت‌ها و خزانه‌دارانشان و کوه‌های گسترده بر روی زمین و
کرانه‌هایشان و دریاها و ماهی‌هایشان و جنیان و فرزندان‌شان و
خانه خدا و مقام ابراهیم و مشعرالحرام و حِلُّ و احرام گریستند.

خاتمه:

حمد و سپاس ایزد منان را که توفیق عنایت فرمود تا این
مجموعه کوچک گردآوری شود.
امید است مرهمی باشد بر دلهای سوخته محبان خاندان
عصمت و طهارت علیهم‌السلام و تسلی قلبهای منتظران ظهور مهدی آل
محمد صلوات الله عليهم اجمعین.



نگارنده سپاسگذار خواهد بود اگر نظریات خوانندگان فرزانه را
به نشانی ناشر دریافت دارد.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار